



« جلسه ۴۰۶ »
 (روز ۱ شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹)

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - سؤال آقای نورالدین امامی راجع بحقوق معلمین و تملیمات اجباری و مطالب دیگر و جواب آقای معاون وزارت فرهنگ
- ۳ - سؤال آقای خلعت بری راجع بحقوق بازنشستگی کارمندان شرکت نفت و ساختمان عمارت شرکت و جواب آقای معاون وزارت دارائی
- ۴ - شور دوم گزارش کمیسیون کشور راجع باعطای اختیار بافسران مجلس ساعت ده و پنج دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید
- ۵ - طرح گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع به تبصره ۵ قانون افزایش اعتبارات کشاورزی و تصویب آن
- ۶ - شور اول گزارش کمیسیون فرهنگ راجع به تأسیس دانشکده و مدارس عالی ملی
- ۷ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان : کاظم شبیبانی - دکتر امین - سنندجی - محمودی - دکتر دادفر - مهندس اردبیلی - دکتر حسن افشار - مرضی حکمت - سعیدی - بهادری - توماج - قوام - مجید ابراهیمی - دکتر عدل - موسوی - امید سالار - دکتر نفیسی - دکتر ضیائی - ذوالفقاری - اورنگ - تیمور ناش - اعظم زنگنه - اربه - دکتر عمید - دکتر اصلان افشار - فولادوند - کورس - مهندس فیروز - عامری - قنات آبادی - صادق بوشهری .

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری - قرشی

رئیس - نسبت به صورت مجلس نظری نیست؟ آقای

صدرزاده .

صدرزاده - يك اصلاحات عبارتی در عرایض بنده هست

که اصلاح میکنم میدهم بنده اویسی .

رئیس - بسیار خوب دیگر نظری نیست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد .

۲ - سؤال آقای نورالدین امامی راجع به حقوق

معلمین و تملیمات اجباری و مطالب دیگر

و جواب آقای معاون وزارت فرهنگ

رئیس - امروز سؤالات مطرح است، آقای نورالدین امامی .

نورالدین امامی - بنده قبل از شروع بعرایضم از پیشگاه مقام ریاست استدعا دارم مثلی است میگویند که سر بچه ملا کلاه نمیرود بدبختانه این جلسه سر من کلاه رفت من پنج سؤال مهم از وزارت فرهنگ داشتم که اگر این پنج سؤال را در پنج نامه می نوشتم پنج ربع بمن وقت میدادند که این پنج سؤال را مطرح کنم اما حالا که بدبختانه در يك سؤال او شتهام میترسم يك ربع ساعت که بمن وقت میدهند این عرایض اساسی خودم را نتوانم بعرض برسانم این است که از ریاست محترم استدعا میکنم که توجه بفرمایند سر من کلاه نرود خودشان قضاوت بفرمایند.

رئیس - برای هر سؤالی يك ربع وقت دارید ممکن است یکی از سؤالات را امروز مطرح کنید، بعد هر کدام را يك روز

امامی - بنده پنج سؤال را از ضمن يك سؤال کنجا میدهم

رئیس - حالاً میتوانيد پنج سؤالش بکنيد و امروز یکی

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

هین مذاکرات مشروح چهارصد و هشتمین جلسه از دوره اول دهم قانونگذاری

از آنها را مطرح کنید
امامی - بنده همایش بیست دقیقه وقت میخواهم که همه اینها را مطرح کنم.
رئیس - پنج دقیقه اضافه وقت را موافقت میکنم
نورالدین امامی - بنده پنج سؤال کردم از وزارت فرهنگ که سؤالاتم را میخواهم و بعد یکی یکی را طرح میکنم اول برای ترمیم حقوق آموزگاران و دبیران چه تصمیمی اتخاذ فرموده اند ۲ - برای اجرای حقیقی قانون تعلیمات اجباری در تمام کشور به آن معنی که اطمینان حاصل شود که این قانون بدون استثناء در تمام نقاط کشور اجرا شده و در آینده فرد بیسوادی نخواهیم داشت. چه برنامه‌ای وزارت فرهنگ تنظیم کرده و بودجه آن را از چه محل در نظر گرفته اند.
 ۳ - برای عمومیت دادن بدبیرستانهای حرفه‌ای در تمام کشور چه تصمیمی اتخاذ و از چه محلی میخواهیم هزینه آن را تأمین بکنیم ۴ - برای بالا بردن سطح معلومات در دبیرستانها و دانشکده‌ها وزارت فرهنگ چه برنامه‌ای دارد.
 ۵ - آیا سازمان برنامه در قسمت فرهنگی بودجه خود با نظر وزارت فرهنگ B فرهنگی را تنظیم میکند و وزارت فرهنگ در هزینه آن نظارت دارد یا خیر: این پنج سؤال اساسی من بود جناب آقای یزدانفر از حق نمیشود گذشت بنده حوزه انتخابیه خودم رامثال میزنم ده سال قبل شهرستان خوی دوهزار شاگرد داشت حالا ده هزار شاگرد دارد پنج دبستان داشت حالا بیست و چند دبستان دارد یک دبستان داشت حالا هفت دبستان دارد از حق نمیشود گذشت دستگاه وزارت فرهنگ باسألهای قبل خیلی فرق کرده ولی یک موضوع اساسی را باید توجه بفرمائید باید از موقعیت استفاده بکنید به عقیده من هیچ دولتی مثل دولت فعلی فرهنگی و دانشگاهی نبوده رئیس دولت ما و وزراء ما وزیر فرهنگ ما که آقای دکتر اقبال اینجا فرمودند معلم خود من بود البته راجع به سن ایشان صحبت نمیکند که سنشان معلوم بشود وزیر مشاور، همچنین سایر وزراء یا استاد دانشگاه هستند یا دکتر هستند یا از خدمتگزاران فرهنگ بوده اند شما باید از این موقعیت استفاده بکنید آقای یزدانفر وزارت فرهنگ ده سال پیش شمارا داشت وزارت فرهنگ مزبسی داشت وزارت فرهنگ کوثری داشت وزارت فرهنگ این رؤسای عالی مقام فرهنگی را در تمام کشور نداشت شما باید از وجود آنها برای بسط فرهنگ استفاده بکنید یعنی مملکت باید استفاده بکند آقای معاون وزارت فرهنگ یک دبیر لیسانسیه با ماهی ۲۹۶ تومان حقوق نمیتواند پسر بنده و آقایان را تربیت بکند همین جوان از مدرسه بیرون میآید

را در مملکت اجرا کنید پسر فلان بقال اگر میخواهد لیسانسیه بشود، بشود اما پول بدهد ما الان نمایندگان شهرستانها بیشتر گرفتار این کاریم که از هر ده و از هر جا بما کاغذ می‌بویسند که ما دبیرستان میخواهیم بودجه این دبیرستان از کجا است دبیرش از کجا است اینها را کسی حساب نمیکند شما باید شش کلاس ابتدائیت را مجانی بکنید و بسط بدهی هر کس میخواهد بالا تر برود ماهی صد تومان دو بیست تومان پول بدهد بچه اش درس بخواند و بعلاوه این ماشین نو کر سازی تا کی باید ادامه پیدا بکند این ماشین هی کار بکند آخر سال عده‌ای می‌آیند بیرون فوراً می‌بندند سراغ بنده و جنابعالی که آقای کار بده این ماشین مستخدم سازی کی باید تمام بشود پسر یقیناً بقال هم اگر می‌رود پسر دهانی وزارت هم اگر می‌رود دبیرستان درس میخواهد دیگر پشت گاو آهن می‌رود پشت تراکتور هم می‌رود، می‌رود زراعت و تخم افشانی بکند سر بقالی و ماست فروشی می‌رود باید دبیرستان حرفه‌ای را بسط بدهید باید وضع فرهنگ را طوری بکنید که ماشین خدمت درست کند ماشین تولید باشد ماشین دادن باشد نه ماشین گرفتن آمدیم راجع به سطح معلومات من خجالت میکشم عرض کنم ولی این موضوع چون در تمام جراید بوده و مصاحبه رئیس دانشگاه بوده خدمتتان عرض میکنم به آقای دکتر فرهاد هم بنده ارادت دارم شخص جلیل القدری است به کردن من حق دارد در یک مصاحبه مطبوعاتی اینطور فرمودند که ما بعد از این در دانشگاه بچه‌ها را که میخواهیم امتحان ورودی بکنیم دو تا امتحان خواهیم کرد یکی زبان فارسی چون استادها در حین کار و عمل گرفتار بچه‌اند حسن را امیداندند با های هوز بنویسند یا حسین را با حای حطی اول زبان فارسی را امتحان خواهیم کرد اگر قبول شد بعد می‌رود در رشته تخصصی امتحان میدهد شما خودتان آقای یزدانفر کلاس شش دبستان که خواندی تورا بوجدانت مساوی باشی دبیرستان حالا نبوده سطح فرهنگ را چرا آوردید پائین یک روز در اطاق آقای دکتر مهران بودم بودجه می‌نوشتند سازمان برنامه بیست میلیون داده بود گفتم آقای دکتر مهران این بودجه با نظر شما است گفت ما خبر نداریم یک وزارت فرهنگ در آنجا تشکیل شده یک تشکیلات هم در آنجا در سازمان برنامه خدمت میکنند خیلی هم متشکریم اما با نظر شما باید این پول را خرج بکنند آن دبیرستانی که شما احتیاج دارید آن را باید سازمان برنامه بسازد نه دبیرستانی که نورالدین می‌رود اعمال نفوذ

میکند که نزدیک منزلش باشد این قبول نیست شما اثر بیف نداشتید من بودم در آن کمیسیون من مدرک میاورم بیست میلیون خیلی پول است اگر با نظر شما است اگر جای حساس مصرف بشود خیلی استفاده میشود بنده می‌روم اعمال نفوذ میکنم برای پسر مدرسه می‌سازم اینها نباید باشد جناب آقای یزدانفر باید وزارت فرهنگ خودش بدانچه میکند این رؤسای فرهنگ شهرستانها بیچاره شدند درست معلمین باید یک کاری بکنید که اساس تشکیلات درست بشود اساس تشکیلات از فرهنگ است بزرگترین مسئولیت نسل آینده مملکت بگردن آقای یزدانفر است نسل آینده بشما رحمت خواهد خواند و با نسل آینده بهتان لعنت خواهد فرستاد باید توجه بکنید بودجه ندارید بزن پس کردن ما بگیرند از شهر داریها بگیرند معلم باید شکمش سیر باشد باید دبیرستانهای حرفه‌ای عمومیت پیدا بکنند باید دبیرستانها ملی بشود پول بدهند باید سطح معلومات کشور بالا برود باید به تمام بودجه‌هایی که برای فرهنگ کشور در نظر گرفته شده است توجه کرد که تحت نظر مستقیم وزارت فرهنگ بمصرف برسد با تشکر از مقام ریاست.
رئیس - آقای نورالدین امامی لابد بعد از ایشان باز در مورد سؤال خودتان صحبت خواهید داشت بر طبق ماده ۸۱ آئین نامه در موقع سؤال یک ربع وقت دارید اگر از ۱۵ دقیقه تجاوز کند مجلس باید موافقت بکند و آقایان رأی بدهند بهر حال چون وقت شما تمام شده من ده دقیقه برای شما وقت میکنم.
امامی - اجازه بفرمائید به بینم ایشان چه میگویند اگر لازم شد تقاضا میکنم شاید دیگر عرضی نداشتم.
رئیس - اگر لازم داشتید رأی میکنیم آقای یزدانفر **معاون وزارت فرهنگ** - (یزدانفر) بنده تشکر میکنم از جناب آقای امامی که توجه مخصوصی راجع به معلمین و وزارت فرهنگ میفرمایند ایشان در پنج قسمت سئوالی راجع به فرهنگ کرده‌اند که خودشان قرائت فرمودند و بنده یکی یکی را قرائت میکنم و جواب هر کدام را بعرض میرسانم سؤال اول این است « برای ترمیم حقوق آموزگار و دبیران چه تصمیمی گرفته شده » بطوریکه مسبق هستید اولین دسته از مستخدمین دولت که مشمول ترمیم حقوق شدند و حقوق آنها بالا رفت حقوق آموزگاران و دبیران بود بموجب قانون ترمیم حقوق فرهنگیان البته در آن موقع این ترمیمی که بعمل آمد حقوق معلمین نسبت به سایرین ممتاز و خوب بود بعد همین اضافه حقوق موجب شد که سایر

طبقات و مستخدمین دولت هم تقاضاهائی بکنند و نسبت به تغییر اشل خودشان اقداماتی بکنند بعد از آموزگاران و دبیران حقوق استادان و دانشیاران اضافه شد بعد از حقوق استادان و دانشیاران حقوق قضات اضافه شد بعد از حقوق قضات پزشکان اضافه شد و بعد حقوق مستخدمین اداری دولت اضافه شد و آخرین مرحله هم حقوق مهندسی اضافه شد و فعلاً حقوق آموزگاران و دبیران نسبت بسایرین کم شده است ولی نظر به توجه خاصی که اعلیحضرت همایون شاهنشاه نسبت بفرهنگیان و آموزگاران و دبیران دارند و با توجه دولت و توجه مجلسین هر موقعی که دولت توانسته است نسبت به حال فرهنگیان البته مساعدت و کمک کرده است اینک فرمودند حقوق لیسانسیه ۲۹۶ تومان است البته اشل ۳۱۸ تومان است و بر طبق قانون بودجه دو بیست تومان هم اضافه شد که میشود ۵۱۸ تومان و سایر مزایا هم البته دارند (فضائلی - رتبه‌هایشان را نمیدهند) رتبه‌ها را بعداً عرض میکنم پس بنابراین آنچه که مقدر دولت بوده نسبت به معلمین انجام شده الان هم نسبت به آموزگاران رسمی آن عده‌ای که کمتر از چهارصد تومان هستند صد تومان اضافه شده حقوق مهندسی که در اختیار وزارت فرهنگ هستند بر طبق اشل جدید البته اضافه شده (نورالدین امامی - میفرماید وضعیتشان خوب است قربان) تخیر عرض کردم که الان وضعیتان نسبت بسایرین اینطور است ولی دولت آنقدر که توانسته کمک کرده است در فکر بوده و حالا هم با مطالباتی که کردند دیدند اضافه حقوقها آنقدر مؤثر در روض زندگی آنها نیست و حالا دو فکر برای دولت هست یکی اینکه کمک‌هایی که میکنند بصورت نقدی نباشد بجهت اینکه کمک نقدی هزینه عمومی را میبرد بالا و میخواهد کمک بصورت جنسی باشد و یکی هم اینکه این تفاوتی که ایشان اشاره فرمودند کاملاً صحیح است و موجب دلسردی تمام مستخدمین است یعنی یک نفر لیسانسیه که در قسمت دبیری کار میکند با یک لیسانسیه که در قسمت قضائی کار میکند با یک لیسانسیه که در قسمت اداری کار میکند با یک لیسانسیه‌ای که در قسمت مهندسی کار میکند حقوق آنها با هم بکلی تفاوت فاحشی دارد و هر چه هم دولت در این قسمت بکند فایده‌ای ندارد فکر دوم این است که یک اشل واحد برای تمام مستخدمین دولت تهیه بکنند که روی سابقه و تحصیلات باشد و بنده امیدوارم که باین لایحه استخدام که تهیه شده و عنقریب تقدیم مجلس خواهد شد این نظر تأمین بشود و رفاه معلمین هم البته در این منظور شده است اما راجع به قسمت رتبه‌هایی که فرمودند جناب آقای فضائلی لازم است عرض کنم که پرداخت یک رتبه در وزارت فرهنگ مستلزم ۲۸ میلیون تومان پول است بودجه را آقایان تصویب فرموده

اند و از وضع پولی ما اطلاع دارند و آنچه که بشود کمک خواهیم کرد و اگر دو رتبه بخواهیم داده شود صد میلیون تومان اعتبار میخواهد سؤال دومشان این است که اجرای حقیقی قانون تعلیمات اجباری در تمام کشور باین معنی که اطمینان حاصل شود که این قانون بدون استثناء در تمام کشور اجرا شده و در آینده فردی بسواد در کشور نخواهیم داشت . اگر جمعیت ایران را ۲۱ میلیون فرض کنیم که بیشتر است مطابق اصول آمار ۱۵ درصد اینها در سن ۶ تا ۱۲ هستند که در مرحله تعلیمات اجباری هستند یعنی بیش از سه میلیون و ۱۵۰ هزار نفر و چون ما مطابق مقررات شاگردانی را که تا سن ۱۶ سالگی هستند ممکن است در مدرسه ابتدائی بپذیریم این میشود سه میلیون و پانصد هزار نفر ولی الان شاگردی که در دبستانهای ایرانی مشغول تحصیل هستند یک میلیون ۳۱۱ هزار نفرند و در این صورت دو میلیون و دو بیست هزار نفر باید محصل در مدارس ابتدائی اضافه از میزان فعلی داشته باشیم بنده توجه آقایان را بدو قسمت جلب میکنم هر شاگرد ابتدائی بدون مخارج محل مدرسه یعنی بدون کرایه در سال سه هزار ریال برای دولت خرج دارد یعنی سیصد تومان اگر فرض کنیم دو میلیون محصل داشته باشیم ششصد میلیون تومان پول میخواهد که بتوانیم این محصلین را بیاوریم بمدرسه غیر از ساختمان اگر برای هر مدرسه‌ای دو بیست شاگرد در نظر بگیریم ده هزار ساختمان میخواهد اگر مخارج هر ساختمان را صد هزار تومان فرض کنیم هزار میلیون تومان پول ساختمان میشود برای اداره هر بیست نفر از این شاگردان یک معلم میخواهد میشود صد هزار معلم حالا حساب بفرمائید برای اجرای نظر جناب آقای نورالدین امامی که اینکار را ما باید انجام بدهیم چه مبلغ گزافی پول لازم داریم و اگر پول را هم بدهند ما باید صد هزار معلم تربیت بکنیم و ده هزار ساختمان درست بکنیم ملاحظه بفرمائید ما برنامه داریم برنامه دهساله برای اینکار بوشتم باید اقلاً سالی ۱۶۰ میلیون تومان دولت به وزارت فرهنگ پول بدهد تا بشود این مبلغ را جبران کرد در هیچ جای دنیا تعلیمات ابتدائی با دولت نیست تعلیمات ابتدائی با شهر دارها است و با مردم است البته ما کوشش خودمان را خواهیم کرد من این آماری را که عرض کردم برای این است که توجه حضرتعالی را جلب بکنم که یک امر ساده‌ای نیست دو مطلب دیگر عرض میکنم و حالا آماری را که بنده خدمتان عرض میکنم روشن میکنم که ما چقدر مدرسه اضافه کردیم در سال ۳۵-۱۳۳۴ ما ۷۶۳۲ باب مدرسه داشتیم امروز ۱۰۳۴۲ باب مدرسه داریم در سال ۳۵-۱۳۳۴ ما

۹۱۱۰۶۲ نفر محصل داشتیم و امروز ۱۶۱۵۰۰۰ شاگرد داریم یعنی در عین اینکه یک کار باین مهمی هست در ظرف چهار سال ما عده محصلین را دو برابر کردیم و پنجاه درصد به تعداد مدارس اضافه کردیم ما برنامه دهساله داریم امیدواریم با توجهات شخص اول مملکت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و توجه آقایان این برنامه را بتوانیم در ۱۵ سال عملی بکنیم سؤال سوم آقای امامی این است « برای عمومیت دادن بدبیرستانهای حرفه‌ای در تمام کشور چه تصمیمی اتخاذ و از چه محلی هزینه آن تأمین خواهد شد » در سه سال قبل عده مدارس حرفه‌ای در تمام ایران شش هنرستان بود که در شهرستانها و تهران بود و دارای ۹۴۲ نفر شاگرد بود ولی در این دو ساله اخیر که توجه همه بمدارس حرفه‌ای جلب شده است بنده این آماری که الان موجود هست عرض میکنم آموزشگاههای حرفه‌ای پسرانه ۱۸ باب با ۲۶۷۹ نفر شاگرد و هنرستانهای پسرانه ۱۵۴ باب با ۳۷۹۵ نفر شاگرد هنرستانهای دخترانه ده باب و ۶۹۹ نفر شاگرد که جمع شاگردها ۷۱۷۳ نفر در مدارس حرفه‌ای دخترانه و پسرانه مشغول تحصیل هستند یعنی میتوانم بگویم که در هر یک از استانها یک هنرستان پسرانه و دخترانه موجود است اما راجع بکشاورزی در همین چهار ساله یا سه ساله ۲۸۳ باب مدرسه کشاورزی افتتاح شده با ۸۵۴۴ شاگرد ۱۳ باب دانشسرای کشاورزی که البته دو تایش بوده و ۱۱ باب اضافه شده با ۱۱۲۳ نفر شاگرد یک دوره تازه درست کردیم و دبیرستانهای کشاورزی ۹ باب که ضمیمه همان دانشسراهای کشاورزی است که تکنیسین کشاورزی تربیت میکنند و ۱۹۸ دانش آموز دارد یک آموزشگاه عملی کشاورزی درست کردیم برای کشاورز فهمیده که ۹ باب در ۹ محل آنها را تأسیس کردیم الان بودجه‌ای که وزارت فرهنگ برای کارهای حرفه‌ای خرج میکند سی میلیون تومان است یعنی در ظرف سه سال از هیچ شروع شده و فعلاً سی میلیون تومان خرج اینکار شده است با توجه باین قسمت که مدارس حرفه‌ای مثل مدارس عادی نیست از لحاظ ماشین آلات از لحاظ تهیه زمین از لحاظ تهیه آب از لحاظ تهیه استاد و استادکار بهیچ وجه با مدارس عادی شباهت ندارد ما الان برای هر شاگرد حرفه‌ای سالی پنج هزار تومان خرج میکنیم و حال اینکه برای یک شاگرد دبستان سیصد تومان خرج میکنیم ملاحظه بفرمائید چه مخارج گزافی دولت میکند این جزو برنامه وزارت فرهنگ است که نسبت به توسعه آن فعالیت زیاد خواهیم کرد و جزو برنامه آنجه ماهست که

۲۶ باب مالز این مدارس باز بکنیم برای تهیه معلمین مدارس در تهران یک هنر سرای عالی درست شده است که بعضی از آقایان مشاهده کرده‌اند اخیراً یک پلی تکنیک درست کردیم با شش استیتو البته مالز تمام مؤسسات خارجی هم کمک گرفته‌ایم از صندوق مشترک یک میلیون و دو بیست هزار دلار گرفتیم دولت المان ۱۲ میلیون مارک داده دولت فرانسه چهار میلیون فرانک داده دولت انگلستان بیست میلیون ریال داده اینها همه کمک میکنند به توسعه مدارس حرفه‌ای در ایران و این جزو برنامه وزارت فرهنگ است و مطمئن باشید ما اینکار را با سرعت و دقت پیش میبریم اینهم قسمت سؤال سوم اما سؤال چهارم برای بالا بردن سطح معلومات در دبیرستانها بنده این قسمت را باید عرض کنم که درست برای خود بنده معلوم نیست که مقصود از بالا بردن سطح معلومات چیست شورای عالی فرهنگ برنامه‌ای برای مدارس ما تهیه میکند آنچه مورد احتیاج مملکت هست در دبیرستانها و دبیرستانها تدریس میشود و وظیفه وزارت فرهنگ این است که این برنامه‌ها را با کمال دقت در مدارس بموقع اجرا بگذارد البته وسایل ما خیلی خوب نیست بجهت اینکه در مدارس متوسط مخصوصاً ما فاقد لابراتوار هستیم شاید از این راه یک نقیصی در کار مدارس باشد ولی معلمین ما وظیفه خودشان را انجام میدهند هم چنین بازرسی‌های ما دقت میکنند که این برنامه‌ها با تمام کیفیتش بموقع اجرا گذاشته بشود البته همه افراد مسوای هم ایستند بنده نمیگویم همه افراد از این برنامه‌ها یک نوع استفاده میکنند در این آماری که بنده گفتم که یک میلیون و هفتصد هزار نفر محصل هست شاید سی درصد از این شاگردان یک مقدار ضعیف باشند شاگرد خوب یا متوسط هم خیلی داریم این رادیو و تلویزیون بهیچ وجه ملاک تشخیص معلومات نیست یک سؤالهای سطحی آنجا میکنند آنها اگر حساب بکنیم سال ۵۲ هفته است هر هفته ۴ تا سؤال که بکنند میشود ۲۰۸ سؤال این ۲۰۸ تا شاگرد که می‌بند پای رادیو و تلویزیون بهیچ وجه نمیتواند ملاک تشخیص برای معلومات یک میلیون و هفتصد هزار شاگرد باشد چون بعضی‌ها خوب صحبت میکنند و جواب میدهند و بعضی‌ها بند این ملاک نیست اما راجع به امتحانات دانشگاه فرمودید دانشگاه یک امتحاناتی میکند آن امتحاناتش موافق اصول وزارت فرهنگ نیست و ما با او در این قسمت اختلاف داریم امتحانات دانشگاه دلیل بر این نیست که سطح معلومات شاگردان کم است البته بنده عرض

نمیکنیم که خوب است اما آنطور که منتشر شده و شایع شده و ما مراقبت میکنیم بد نیست و اگر لازم باشد که این سطح معلومات بالا برود هیچ اشکالی ندارد البته در برنامه تجدید نظر میشود یک مقداری برنامهها را میبراند بالا در قسمت سؤال پنجم که فرمودند سازمان برنامه در قسمت فرهنگی بودجه خود را با نظارت وزارت فرهنگ تنظیم میکنند یا نه البته اینکار را میکنند بجهت این که اعتباری که میدهند به وزارت فرهنگ امسال ۱۷ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان دادهاند تمامش را در اختیار مهندس نفیسی گذاشتهایم و ایشان یک برنامههای برای کمکهای اقتصادی و برای برنامههای فنی تهیه میکنند البته این برنامهها باید مورد موافقت شورای عالی باشد ولی وقتی تصویب شد آن برنامه بموقع اجرا گذاشته میشود و وزارت فرهنگ البته نظارت دارد در قسمت مدارس متوسطه که فرمودند باید پول بگیرد خود آقایان قانونی را تصویب فرمودند که در مدارس ملی از هر شاگردی یک مبلغی گرفته شود و عنقریب شاید در ظرف چهار پنج سال تمام مدارس متوسطه از شاگردان طبق همان قانون پول خواهند گرفت در تهران هم میگیریم در شهرستانها هم میگیریم و این پولها را صرف بهبود وضع مدارس میکنیم یعنی لابراتوار و زمین و ورزش و آن چیزهایی که لازم هست تهیه میکنیم (احسنست).

رئیس - آقای امامی شما می خواهید صحبت بکنید .
امامی - جناب آقای رئیس دو دقیقه اجازه میخواهم .
رئیس - من که آنوقت عرض کردم که باید رأی بگیریم
امامی - بنده از تمام یک ربع هم استفاده نکردم .

رئیس - بخیر ۲۲ دقیقه صحبت کردید اینجا نوشته می شود حالا بر طبق ماده ۸۱ آئین نامه ده دقیقه تقاضای رأی میکنیم از طرف آقای امامی که سؤالشان را تکمیل بکنند آقایانیکه موافقت فرمایند (اكثر برخاستند) تصویب شد ، بفرمائید .

نورالدین امامی - با عرض تشکر از پیشگاه مقام ریاست و همچنین همکاران محترم خیلی هم معذرت میخواهم چون عرض من عریض خیلی حساس بود و من کمتر مزاحم میشوم از این جهت جسارت کردم که چند دقیقه وقت بگیرم و هم چنین از آقای یزدانفر تشکر میکنم که قدری ما را روشن کردند جناب آقای یزدانفر راجع به تأمین محل فرمودند بنده هم همین را می خواهم بگویم از شهرداری یا از هر کجا هست باید محل را تأمین بکنید دولت برای اینکار است که محل تأمین بکنند تصدقت ما

مختلف مورد بحث است و گمان میکنم تمام شده باشد که امیدوارم بانصوب آن نظر جنابعالی تأمین شود (نمایندگان اشاءالله).

۳ - سؤال آقای خلعت بری راجع بحقوق بازنشستگی کارمندان شرکت نفت و ساختمان محل شرکت و جواب آقای معاون وزارت دارائی

رئیس - آقای خلعت بری
ارسال خلعت بری - سؤال بنده از اینقرار است : با آنکه حقوق بازنشستگان کشوری معادل با حقوق شاغلین است در مورد کارمندان شرکت سابق نفت بجهت علت بر طبق آئین نامه فعلی بازنشستگی شرکت ملی نفت رفتار نمیشود و برای تأمین زنده گی بازنشستگان مزبور چه اقدامی شده است ، باینکه باید در مخارج صرفه جوئی نمود شرکت ملی نفت ایران چرا مبادرت بساختن عمارتی جدید که میگویند دارای هیجده طبقه است نموده و مخارج ساختمان مزبور تا چه میزان تا تکمیل ساختمان بر آورد شده است ، قسمت اول سؤال بنده اینست که سه دسته هستند که در شرکت ملی نفت ایران حقوق بازنشستگی میگیرند و اینها عریضه ای بمقام ریاست مجلس شورای ملی تقدیم کرده اند که خلاصه حرفشان این است که میگویند مطابق آئین نامه شرکت ملی نفت اضافه حقوقی بعلت کرائی هزینه زندگی تا معادل صدی شصت بدون استثنای اضافه کرده و این حقوق را بیک دسته ای از بازنشستگان میدهند بازنشستگان شرکت ملی نفت سه دسته هستند یک دسته آنهایی هستند که در زمان شرکت سابق بازنشسته شده اند و حقوق بازنشستگی آنها در حدود ماهی ۷۰۰ ریال است و با این حقوق تصدیق میفرمائید که زندگی امی شود کرد قسمت دوم آنهایی هستند که در سال ۱۳۳۱ بعد از ملی شدن نفت ایران بازنشسته شدند و حقوق آنها هم کمتر از حقوق اشخاصی است که شاغل هستند و حداکثر بین ششصد یا هفتصد تومان است این آقایان دسته اول میگویند مادر شرکت نفت خدمت کرده ایم شرکت نفت سابق هم مطابق قانون ملزم بود که ایرانی استخدام بکنند ما هم ایرانی بودیم در هوای سخت در هوای گرم آنوقتی که وسیله زندگی در آنجا فراهم نبود بدون برق بدون آب کار کردیم و جوانی خودمان را به پیری رسانده ایم حالا که شرکت ملی نفت یک شرکتی است که ۲۵۰ میلیون دلار درآمد دارد ما چرا بایستی باماهی ۷۰ تومان حقوق در ماه زندگی کنیم اینرا از کی بگیریم شرکت سابق که رفت ما هم برای نفت خدمت کردیم دسته دوم میگویند که ما در سال ۱۳۳۱ در سال ملی شدن نفت بازنشسته شدیم

مجلس شورای ملی که در همه جا نسبت بکارمندان بازنشسته نظر عطف و ارفاق و عدالت دارد و مطابق تمام قوانین به شاغلین هر قدر حقوق بدهند به بازنشستگان هم میدهند چرا نسبت بما که يك دسته ایرانی هستیم چهار صد تومان حقوق میدهند ولی شاغلین چهار هزار تومان میگیرند خرج سفر و فوق العاده میگیرند خانه دارند وسائل زندگی برایشان فراهم است بنظر بنده این عدالت نیست و خوب است در مملکت تبعیض نشود میخواهم بدانم که در مورد این بیچاره ها توجهی میشود که اینها هم بتوانند زندگی بکنند چرا چون بکسی که بیست سال سی سال خدمت کرده چهار صد تومان حقوق بازنشستگی میدهند این باید چهار صد تومان کرایه خانه بدهد دیگر چطور میتواند زندگی کند باید از بودجه شرکت ملی نفت یک کمک بشود که آنها هم بتوانند زندگی کنند و باین ترتیب این عمل شرکت نفت از عدالت خارج شده است ، شنیدم به بعضی از اینها که ۷۰ تومان میگیرند دولت تصویب کرده باینها ده هزار تومان بعنوان پاداش بدهند باده هزار تومان چه کاری میشود کرد معذالك همان کمک دولت را همه بیش از چهار هزار تومان ندادند بنا بر این بنده خواستم که اینمطلب اینجا مطرح بشود که آقایان نظر عطفی بکنند و دولت هم زندگی آنها را تأمین بکنند عرض دوم راجع بساختن شرکت ملی نفت است این سؤال را از جهت انتقاد شدید نمیکنم بنده در بیرون میشنوم که برای ساختمان محل شرکت نفت هشتاد میلیون تومان خرج میشود بنده هیچ اطلاعی ندارم گمان نمیکنم این مقدار باشد و این سابقه باشد بنده میخواهم به بینم که این واقعا يك بر آوردی شده است که تا آخر ساختمان یعنی وقتی بنا می آید بیرون و تحویل میشود با تهویه با کولر چقدر تمام میشود و در شرایط فعلی چرا اینکار را کردیم (اكثر از نمایندگان - سی میلیون خرج میشود) بیست میلیون و سی میلیون هر قدر هست علت این خرج چه بوده اگر جواب صحیح بود بنده هم قانع میشوم و همینقدر باشد که يك اشخاصی که بیرون انتقاد می کنند ما هم يك جوابی داشته باشیم بآنها بدهیم .

رئیس - آقای هنجری
معاون وزارت دارائی (هنجری) - سؤال جناب آقای خلعت بری نماینده محترم شامل دو قسمت بود یکی راجع به بازنشستگی کارمندان سابق شرکت نفت یکی راجع بساختن شرکت ملی نفت ، راجع به بازنشستگی باید عرض کنم که تا ۱۳۲۷ شرکت سابق نفت مقرراتی نداشت فقط

صندوقی داشت بنام صندوق احتیاط در این صندوق سه حساب بود یکی حساب (A) و این حساب عبارت بود از صدی پنج حقوق ماهیانه کارمندان که کسر میشد و در این حساب ریخته میشد یکی حساب (B) که صدی پانزده شرکت نفت سابق باین حساب میریخت و یکی حساب (C) که از سود ویژه یا سالیانه شرکت نفت باین حساب منظور میکردند که در حدود صد پنج بود و این حساب مختص کارمندان عالیرتبه بود به علاوه در سال یک سودی هم باین مبلغ که در حساب احتیاط ریخته میشد تعلق میکردت پس از پایان مدت خدمت کارمندان مطابق آئین نامه ای که داشتند باین ترتیب وجوه آنها مسترد میشد اولاً تمام وجوهی که خود کارمندان پرداخت میکردند بآنها مسترد میشد و از حساب (B) شرکت نفت هم بآنها پرداخت میشد باین ترتیب که اگر پنج سال سابقه خدمت داشتند صدی چهار و اگر ۹ سال خدمت کرده بودند صدی شصت و اگر ۱۲ سال خدمت کرده بودند صدی هفتاد پنج و اگر ۱۵ سال خدمت صدی صد و این وجه را بکارمندان پرداخت میکردند در اوائل سال ۱۳۲۷ مقررات بازنشستگی شرکت سابق نفت تغییر کرد باین ترتیب که عبارت بود از پنج درصد از حقوق ماهیانه کارمندان در صندوق بازنشستگی در موقع بازنشسته شدن و آخرین حقوقی که دریافت میکرد ضرب در یک شصت سنوآت خدمت به علاوه وجوهی که در صندوق احتیاط بنام کارمند بود کلیه این وجوه را که هم وجوهی بود که کارمند پرداخته بود و هم وجوهی که شرکت سابق نفت پرداخته بود یکجا بکارمند میدادند با این فرق اگر وجوهی که شرکت سابق پرداخت کرده بود یعنی حساب (B) را آن کارمند بازنشسته میخواست یکجا بگیرد شش درصد کسر میکردند مثلاً اگر یک کارمندی در حساب (B) ده هزار تومان وجه موجود داشت و حقوق بازنشستگی کارمند در ماه ۵۰۰ تومان بود ماهی ۵۰ تومان بابت فرع آن کسر میشد ماهی ۴۵۰ تومان میگرفت بعد از شرکت سابق، شرکت ملی جانشین شد و مقرراتی وضع کرد که تقریباً در موقع بازنشسته شدن نصف آخرین حقوق را دریافت میکند تصدیق میکنند که حقوق بازنشستگی در شرکتها و مؤسسات بازرگانی روی اصول فنی و محاسبه بازرگانی است غیر از وضع دولت است که هدف، هدف بازرگانی نیست گو اینکه وقتی قانون استخدام وضع شد صندوق بازنشستگی هم یک مبنائی داشت و محاسبه این بود که هیچوقت پول این صندوق کسر نمیشد و همیشه روبه ازدیاد بود و لطمه ای باین وجوه بازنشستگی

نمیخورد در شرکتهای بازرگانی هم همیشه این رعایت شده یعنی طوری ترتیب داده اند که صندوق بازنشستگی وجوه کافی برای پرداخت داشته باشد کما اینکه الان ملاحظه بفرمائید با تصویب این حقوقات بازنشستگی که اضافه شده ما ناچاریم هر ساله مبالغی در بودجه مملکت برای حقوق در صندوق بازنشستگی بگذاریم. (صدرزاده - برای این است که روز بروز هزینه زندگی بالا می رود که خودتان نمیتوانید جلو گیری کنید و الا این اضافه را لازم نبود بپردازید) راجع بساختن آنها البته تصدیق میفرمائید که قانون فروش نفت و گاز تصویب شده و شرکت ملی وظیفه سنگینی را به عهده دارد و روز بروز هم وظایفش سنگین تر میشود مخصوصاً که در اجرای ماده ۱۷ همان قانون ناچار است که عملیات تحویل و بخش محصولات نفتی را به عهده بگیرد و البته این هم خیلی وسیع است و در حال حاضر در حدود ۴۸ محل اجاره کرده است و جمع مال الاجاره ای که در سال میپردازد یک میلیون و هشتصد هزار تومان است و البته شرکت ناچار شد چون یک شرکت بازرگانی باید در یکجائی متمرکز باشد چون پراکنده گی قسمتهای مختلف موجب پیچیدگی کار و بالا رفتن هزینه میشود پس از بررسی دقیق و تأیید و تصویب شورای عالی نفت ضرورت ایجاد ساختمان مورد تصویب قرار گرفت و این ساختمان در حدود ۱۸ طبقه است و هزینه ساختمان در حدود سیصد میلیون ریال برآورد شده است و تا آخر سال ۱۳۴۰ بنای مزبور خاتمه پیدا میکند.

رئیس - آقای خلعتبری.

ارسال خلعتبری - بنده قانع نشدم برای اینکه اولاً شرکت سابق نفت به همه مردم و بدولت ایران تعدی کرده بود و این محتاج بشرح نیست از جمله تعدیانش هم همین وضع مستخدمین است و حالا هم که آن دستگاه شرکت سابق نفت برچیده شده شرکت ملی نفت ایران هم یک مشت ایرادهای بیچاره ای که در آن موقع جوانی خودشان را بپیزی رسانیدند در آن هوای گرم آن ریالی که آن روز پرداخت کردند به شرکت نفت به بیندیده ارزشی داشته و حالا چه ارزشی دارد دولت همین حساب را درباره مستخدمین خودش کرد بنابراین حقوق تمام بازنشسته های خودش را تفسیر داد و آورد بمیزان شاغلین، این نمیشود که در یکجای مملکت یک بام و دو هوا کرد همه مستخدم دولت هستند آنها ای که در سال ۱۳۳۱ بوسیله شرکت ملی نفت ایران بازنشسته

شده اند آنها که دارای رتبه عالی بوده اند دو هزار تومان حقوق می گرفتند حالا نصف شده (بور بور - از نصف هم کمتر) تصدیق میفرمائید که با این حقوق نمیشود زندگی کرد. امروز که شرکت نفت ۲۵۰ میلیون دلار هم درآمد دارد، امروزه در اروپا و ممالک اروپائی اولین چیزی که بهش توجه میکنند اشخاص است سعی می کنند از درآمد مؤسسات اول باشخاصی که در این مؤسسه خدمت میکنند بدهند که وسیله زندگی داشته باشند و همچنین بعد از خدمتشان، الان می خواهم یک نحوه تبعیض را عرض کنم چند ماه پیش بنده در روزنامه خواندم که شرکت ملی نفت میخواهد یک پلاژ در دریا بخرد که اقلاً یک میلیون متر زمین داشته باشد قیمت این زمین و ساختمان آن به ده پانزده و بیست میلیون تومان میرسد (ارباب - استدعا میکنم بفرمائید در بندر عباس درست کنند) آنجا گرم است بنده خیلی خوشم می آید واقعاً هم بسیار فکر خوبی است که برای مستخدمینمان پلاژ درست بکنند و باید هم بکنند ولی میگوئیم وقتی برای یک دسته ای اینقدر ارفاق می کنید دور از انصاف است که پنجاه شصت نفری که از سابق مانده اند و بسن ۷۰ رسیده اند بنا حال ضعف و ناتوانی ۷۰ تومان حقوق بگیرند این دور از انصاف است و قابل تحمل نیست از این مخارج باید کم کنید بدهید باین دو بیست سیصد نفر (صحیح است) این عرض بنده بود شما خودتان توجه کنید و رفع این بیعدالتی را بنمائید چون اینها بمقام ریاست عریضه نوشته اند و حتماً مجلس شورای ملی باید بآنها یک توجهی بکند مسئله دوم راجع بحقوق بازنشستگی این افراد و تفاوتی که باید بآنها بدهند که میفرمائید با اصول بازرگانی منافات دارد بنده این را نفهمیدم استدعا میکنم این اصول بازرگانی را بمرحله عمل بگذارید شرکت نفت اگر روی اصول بازرگانی عمل میکند بنده قبول دارم از اینجا شروع بکنید تا بآخر اگر خرج سفر فوق العاده وسائل تفریح و ساختمان هم روی اصول بازرگانی باشد بنده عرضی ندارم ولی روی اصول بازرگانی نمی آید ۳۰ میلیون تومان خرج ساختمان بدهند دوستان ما که رفته بودند بژاپن میگفتند ژاپن همان فرودگاه همان کار راه آهن قدیمی و سابقش را دارد گفتیم چرا فرودگاهتان اینطور است گفتند باید پنجاه میلیون تومان خرج کنیم و این پنجاه میلیون تومان در حکم پول مرده است باید کارهای انتفاعی صرف کنیم این لوله کشی که شرکت نفت

میکند بسیار مفید و عمل خوبی است بنظر من شما چه احتیاجی دارید باین ساختمان و اینکه یک میلیون و هشتصد هزار تومان اجاره بدهید و چهل جا پنجاه جا را اجاره کنید بقول جناب آقای صدرزاده کار شرکت سابق نفت ده برابر شما بوده است برای اینکه استخراج اکتشاف و تصفیه همه اینکارها را میکرده و اداره آن منحصر بیک عمارت بوده، پرسوالتان زیاد است عده زیادی که احتیاج ندارید استفاده کرده اید و شما مثل شرکت سابق نفت رعایت قواعد تجارتنی را نمیکنید شما رعایت قواعد تجارتنی را از کنسرسیونم یاد بگیرید تمام رؤسا و افراد آنها باید با انومبیل کرایه رفت و آمد بکنند رقم انومبیل در بودجه کنسرسیون نیست، مطابق توضیحاتی که جنابعالی دادید معلوم میشود بیست جاسی جا ادارات مختلفه دارید که اعضای اینها را میخواهید یکجا جمع بکنید بنظر بنده این خلاف شرط تجارتنی مخصوصاً از لحاظ وضع مملکت ما که بیول احتیاج دارد و پول را باید بمصارف تولیدی برساند این پول را اگر بدولت میدادند به بانک کشاورزی میدادند صرف لوله کشی و راه سازی میکردند آنوقت بنده میآدم این را تقدیس میکنم لوله کشی از اینجا باصفهان از اهواز با اینجا و از اینجا بگیلان را بنده تصدیق و تحسین میکنم بنده که اغلب بمقاطع کارهای خارجی تنقید میکنم تقدیس میکنم آن مقاطع کار خارجی که شش ماه زود تر کارش را انجام داد پاداش هم گرفت لوش جانش تا معلوم شود اشخاصی که خوب کار میکنند پاداش بگیرند و اشخاصی که بد کار می کنند تحسین نمیشوند.

رئیس - آقای معاون وزارت دارائی

معاون وزارت دارائی - راجع بحقوق بازنشستگان شرکت سابق نفت البته دستور لازم از طرف وزارت دارائی بشرکت ملی نفت همانطوریکه نظر آقایان نمایندگان هست نسبت به ترمیم حقوق آنها داده خواهد شد راجع به ساختمان بایستی عرض کنم شرکت نفت بروز وظایفش سنگین تر میشود صنایع پتروشیمی و کارهای پتروشیمی و کارهای غیر صنعتی توسعه پیدا میکنند نظارت بشرکتهای مختلفی که بموجب قانون تشکیل شده با شرکت ملی نفت است الآن سالیانه یکمیلیون و هشتصد هزار تومان اجاره پرداخت می کند آیا پرداخت اجاره مصلحت است یا یک ساختمانی خودش داشته باشد؟ (خلعت بری - برای صنعت نیست کارخانه بیست برای کارهای پرسنلی است) این دستگاهها

کارمند لازم دارند کارمند جا میخواهد بعلاوه انجام این کار با تصویب شورای عالی نفت که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا هم تشریف دارند تصویب شده اگر مصلحت نبود تصویب نمیشد.

۴ - شور دوم گزارش کمیسیون کشور راجع باعطای اختیار بافسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی و ارجاع مجدد بکمیسیون

رئیس - گزارش کمیسیون کشور راجع باعطاء اختیار بافسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی مطرح است حالاً شور دوم است قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

گزارش از کمیسیون کشور بمجلس شورای ملی
کمیسیون کشور با حضور آقای معاون وزارت کشور لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به اعطاء اختیار بافسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی را برای شور دوم مطرح و با توجه به پیشنهادات خبرشورا را با اصلاحاتی تصویب نمود اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده ۱ - در شهرهاییکه از طرف اداره کل شهربانی با موافقت وزارت کشور معین و آگهی شود بافسران شهربانی که از طرف شهربانی کل تعیین شده باشند اجازه داده میشود که متخلفین از آئین نامه راهنمایی و رانندگی را در محل و در حین مشاهده تخلف متوقف کرده از آنان جریمه نقدی که بر حسب مورد ۵۰ یا ۱۰۰ یا ۲۰۰ ریال خواهد بود با تسلیم قبض رسید نمبردار دریافت نمایند در صورتیکه متخلف بعلت همراه نداشتن وجه قادر بتأدیه جریمه نباشد و یا بعلت دیگری دریافت جریمه در حین تخلف و در محل مشاهده آن مقدور نباشد افسر مأمور اخطار به ای بمتخلف تسلیم یا بوسیله نقلیه الصاق مینماید.

در این صورت متخلف باید ظرف سه روز از ساعت اخطار جریمه مقرر را بصندوق راهنمایی و رانندگی شهربانی تسلیم و رسید دریافت دارد.

شخصی که به نظر افسر شهربانی معترض باشد برای رسیدگی ظرف ۲۴ ساعت بدادگاه خلاف احضار میشود و عدم حضور یا عدم ورود اعتراض و ثبوت تخلف دادگاه او را بتأدیه جریمه از پانصد ریال تا دو هزار ریال محکوم خواهد کرد.

تبصره ۱ - متخلفی که در موعد مقرر جریمه را تأدیه

نماید معترض محسوب و با او طبق قسمت اخیر ماده ۱ رفتار خواهد شد.

تبصره ۲ - کلیه رانندگان مکلفند در حین رانندگی پروانه رانندگی با عکس خود را که بآن ملصق شده باشد همراه داشته باشند و در غیر این صورت مأمورین شهربانی مجازند متخلف را بدادگاه جلب نمایند.

تبصره ۳ - رانندگانیکه ظرف یکسال سه دفعه با اتهام جرائم خلافی مربوط بامور رانندگی در دادگاه محکوم شده باشند و جرائم مزبور مطابق آئین نامه خلافی رانندگان در گواهی نامه رانندگی آنها ثبت شده باشد مدت ششماه از حق رانندگی محروم خواهند بود و در صورتیکه تخلف راننده سه بار دیگر در یکسال تکرار شود متخلف مدت یکسال از حق رانندگی محروم خواهد شد و چنانچه رانندگانی که گواهی نامه آنها از طرف افسران شهربانی بعلت سرعت یا سبقت غیر مجاز یا تجاوز بچپ ضبط شده باشد و یا پس از صدور حکم محرومیت از رانندگی مبادرت برانندگی نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که بدون پروانه رانندگی نموده اند.

ماده ۲ - این قانون در شهر ده روز بعد از نشر آگهی مذکور در قسمت اول ماده ۱ در يك روزنامه کثیر الانتشار بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده ۲ - آئین نامه اجرای این قانون را وزارت دادگستری و کشور تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۴ - عواید حاصله از جرائم مربوط به تخلفات امور راهنمایی و رانندگی و همچنین عوائد حاصله از جرائمی که افسران پلیس طبق این قانون وصول مینمایند بحساب مخصوصی در وزارت دارائی تمرکز داده میشود و در اختیار شهربانی هر محل خواهد بود که وجوه وصولی مزبور طبق مقررات مالی بمصرف امور فنی راهنمایی مربوط بحسن انتظام امور رانندگی از قبیل نصب چراغهای راهنما و خط کشی خیابانها و همچنین تکمیل کادر استخدامی در حدود قوانین استخدامی در همان محل برسد.

ماده ۵ - وزارتخانه های کشور و دادگستری و دارائی مأمور اجرای این قانون میباشد.

مخبر کمیسیون کشور - مهدی ارباب

گزارش از کمیسیون دارائی بمجلس شورای ملی
کمیسیون دارائی با حضور آقایان معاونین وزارت

دارائی و وزارت کشور لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع باعطاء اختیار بافسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی را برای شور دوم مورد رسیدگی قرار داده پس از مذاکرات لازم خبر کمیسیون کشور را تأیید و تصویب نمود اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

مخبر کمیسیون دارائی - مشایخی

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی
کمیسیون دادگستری لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به اعطاء اختیار بافسران شهربانی برای وصول جرائم رانندگی را با حضور آقایان معاونین وزارت دادگستری و کشور برای شور دوم مطرح نموده خبر کمیسیون کشور را مورد تصویب قرار داد اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

مخبر کمیسیون دادگستری - عمیدی نوری

رئیس - ماده اول مطرح است آقای دکتر مشیر فاطمی مخالفید (بله) بفرمائید.

دکتر مشیر فاطمی - بنده مخالفتی که دارم نسبت به بعضی از قسمت ها است درست است که وضع راهنمایی و رانندگی در تهران خیلی بهتر از سالهای گذشته شده است ولی اصولاً باید دید شهر تهران قادر هست که اینقدر اتومبیل داشته باشد و اینقدر اتومبیل را هضم بکند یا خیر و بنده خودم مکرر در مکرر خدمت تیمسار صفاری عرض میکردم که هیچ جای دنیا ندیدم که تا کسی دائماً در حرکت باشد علت شلوغی تهران ما وجود ۱۲ هزار ۱۴ هزار تا کسی در تهران است که اینها ایستگاه ندارند و دائماً در حرکت هستند و در هیچ يك از شهرهای دنیا اینطور نیست این دلیل اولش بوده که باید فکری برای اینکار کرد هی جریمه کردن بنده که هیچ سردر نمی آورم البته جریمه مؤثر است اقداماتی هم کرده اند کلاسهای تشکیل داده اند و اندرزهایی میدهند ولی علت العلل این است که ۱۴ هزار تا کسی دائماً در حرکت و توافیک است و اینرا باید جلویش را گرفت و تا جلویش را نگیرید درست نخواهد شد علت دوم اینکه بنده می بینم اتومبیلهای کرایه که خود راهنمایی هم از دستشان ذله شده اینها در شهر کار نمی کنند اتومبیل کرایه که نباید در داخل شهر کار کنند جناب آقای فرهودی توجه بفرمائید آئین نامه میگذازند خلق الساعه که نوی شهری که مردمش بچراغ قرمز توجه نمی کنند نباید بوق زد این کارخانه ها بوق را برای چه درست کرده اند دلیلی داشته نمی فهمم میگویند هر کس بوق زد باید او را جریمه بکنند

این بوق را برای چه درست کرده اند این کارخانه ها بیکار بودند که بوق درست کردند. (فضائلی - اگر برای در کاراژ باز کردن بوق بزنند چطور) اجازه بفرمائید بنده عرض کنم اگر آقایان مطلبی دارند بعد بفرمایند، بوق زدن در آئین نامه باید برای مردمی باشد که در موقع قرمز بودن چراغ عبور میکنند دوم اینکه باید فکری کرد برای پیاده روها، آخر چه بکنند این شوفرهای بیچاره، من دلخوشی با شوفر ندارم دیگر اینکه در تبصره ۲ نوشته شده است کلیه رانندگان مکلفند در حین رانندگی پروانه رانندگی با عکس خود را که بآن ملصق باشد همراه داشته باشند در غیر اینصورت مأمورین شهربانی مجازند متخلف را بدادگاه جلب نمایند این درست نیست ممکن است بنده راننده یادم رفت گواهی نامه مرا همراه بردارم لباسم را عوض کردم چرا بنده را بگیرند بپردانین را باید اصلاح کرد اگر گواهی نامه همراهش نیست ۵ تومان جریمه بکنند چون ممکن است یکوقتی یادش برود این را باید يك تخلف حساب کرد (پرفسور اعلم - باید او را جلب کنند که دیگر یادش نرود) جناب پرفسور باید یادتان برود تا شمارا جلب بکنند بدادگاه! آنوقت عرض میکنم چه خواهید گفت بطور کلی با اینکه جرائمی بگیرند مخالف نیستم ولی بنده میگویم اینها باید توأم باشد با چند چیز، يك فکری برای این تا کسی ها بشود که دائماً در حرکتند دومش اینکه آئین نامه ای بنویسند برای پیاده روها، این امیدشود که شما يك طرفی را جریمه میکنید.

رئیس - آقای مهدوی
مهدوی - بنده تصور میکنم مسئله رانندگی در تهران یکی از مسائلی شده که از همه چیز تصور میکنم اگر بگویم مهمتر است اغراق نگفتم و اگر تمام اولیای امور همشان را مصروف بحل این قضیه بکنند و يك پیشرفتی در اینکار حاصل شود از بزرگترین اقدامات شده است و اینرا نمی شود انکار کرد که سال بسال وضعیت رانندگی روبه بهبودی پیش میرود و امروز را اگر با دهسال پیش مقایسه بکنید خیلی درش تفاوت می بینیم اینها هم اخلاقاً و رفتارشان این افسران پلیس که از مدرسه بیرون آمده اند هیچ شبیه افسران سابق نیست متأسفانه مردم زیاد مقررات را رعایت نمی کنند و اهمیت نمیدهند بیشتر هم از حسن خلق آنها سوء استفاده می کنند بنده منکر این نیستم که میگویند

اتومبیل زیاد است ولی آقایان میدانند در شهرهای مشابه که نصف جمعیت تهران را داردمی بینیم دوبرابر تهران ماشین هست اما مردم با نظم و ترتیب هستند و مقررات را رعایت میکنند و هیچ وقت این بل بشوئی پیش نمی آید در جلسات قبل هم خواستم از شهر بانی خواهش کنم حالا که مسئولیت اتوبوسرانی را بعهده گرفته وضع اتوبوسرانی را امیدواریم بتواند مرتب و منظم بکند یعنی راننده اتوبوس شرکت واحد مزیتی برای خودش قائل نشود نسبت بانومبیلهای دیگر و همان مراقبت را در شهر بکند والا يك تفاوت فاحشی در امر رانندگی در تهران ایجاد خواهد شد و بعقیده بنده ما هر نوع قانونی ولو هر قدر تند و خشن باشد در مقابل این تلفاتی که ما هر روز در تهران می بینیم و همه اش تأثر آور است وضع کنیم کار تندی نکرده ایم امروز رانندگی يك امر فنی است و شهر بانی بایستی بفکر این بیفتد که اینهمه افرادی که از اینجا برای مطالعه رانندگی بخارج میروند و می آیند يك نتیجه ای از مسافرت های آنها گرفته شود و ببینند آنچه را چه میکنند ما هم در اینجا همان کارها را بکنیم و از آنها یاد بگیریم. ولی متأسفانه در این مملکت بسیار دیده ایم که چندین بار مقررات شهر بانی بصورت اعلامیه صادر شده و تا دو روز مراقبت کردند و روز سوم خود شهر بانی هم اساساً آن مقررات را فراموش کرده است. بنده ده پانزده روز دیدم که دستور دادند که عابرین غیر از جاهائی که خط کشی شده رد نشوند ولی اینکار ده پانزده روز مراقبت شد و واقعه ام خوب بود ولی بعد این فراموش شد همانطور که آقای دکتر ناطق هم این را فرمودند در بعضی قسمتها چراغهای زرد و قرمز و سبز را همگی مراعات نمی کنند باید پاسبان بایستد و راهنمایی بکند و مردم هم واقعاً تا معنی این چیزها را بفهمند مدتی طول میکشد ولی بالاخره بکروزی باید برسد که اگر وقتی چراغ قرمز روشن بود يك کسی عبور کرد او متخلف شناخته بشود و همش تحمیل بشود چون شو فرم وقتی چراغ سبز روشن شد فکرمی کند که مجاز به عبور است و در همان موقع يك آقا تا می آید جلوش را میگردد اینست که بنده عقیده ام اینست که هر قدر این قانون سخت تر و شدیدتر نوشته شود برفع مردم و برفع این عده ایست که هر روز تلف میشود.

رئیس - آقای دکتر رضائی مخالفید؟ (دکتر رضائی - بله) بفرمائید.

دکتر رضائی - عرض بنده از این تصدیق طرح يك

سؤالی در مجلس شورای ملی هنگام طرح این لایحه است و من از جناب آقای فرهودی معاون وزارت کشور تقاضا میکنم که تشریف بیاورند پشت تریبون و جواب این سؤال بنده را مرحمت بفرمایند ولی قبل از اینکه این سؤال را در اینجا طرح بکنم میخواهم از مساعی شهر بانی کل کشور و اداره راهنمایی و رانندگی در ائیر بهبود راهنمایی و رانندگی و خاصه تربیت افسران جوانان اینجا ذکر کرده باشم. بسیار جای خوشوقتی است که ما در ایران امروز افسران جوانی داریم که با حسن سلوک و با رفتار خوب توانسته اند جلب رضایت مردم را بکنند و آن نظریه قبلی راجع به پلیس را که يك نظریه نامطلوبی بود باعث شوند که کاملاً تغییر بکند و مردم پلیس را بعنوان يك قوه امدادی که حقیقت امر هست تلقی کنند. اما سؤال بنده قربان اینست که بنده میخواهم بدانم که در شهر تهران و در شهرهای دیگر مسئول بعضی از تصادفاتی که اتفاق می افتد و بهیچوجه من الوجوه تقصیر اصلی از راننده نیست چه دستگاهی است بنده اینجا مثالش را عرض میکنم و از حضورتان تقاضا دارم که تشریف بیاورید اینجا و پاسخ بدهید. من بخواهم يك مطلبی را که اخیراً اتفاق افتاده است بزرگ بکنم از این مطالب زیاد اتفاق می افتد ولی این مطلب يك مطلبی است که اتفاقاً توجه عموم را جلب کرده است و بدینست که ما در قبال این مطلب بفکر چاره بیفتیم. آقایان از تصادفی که در جاده شمیران چندین قبل اتفاق افتاد آگاه هستند. اداره برق یا میدانم کدام دستگاه مقاطعه کار یا کدام دستگاه نصف عرض جاده را چاله ای کنده بود به عمق سه متر و بطول حداقل ۵ متر و بعرض حداقل سه الی چهار متر که بنده خودم از آنجا رد شدم و بنده خودم نزدیک بود تصادف بکنم، بدلیل اینکه بنده توجه دارم به گوشزد و تذکر اداره راهنمایی و رانندگی که سعی بکنیم چراغها هنگام حرکت پائین باشد ولسی متأسفانه ناگهان مواجه شدم با این حفره وسیع و خوشبختانه چون سرعت کم بود توانستم رد بشوم اما بنده حضورتان عرض میکنم که من ناگهان با این جریان مواجه شدم. حالا این تصادف اتفاق افتاده است و بسیار بسیار جای تأسف است. خوشبختانه مطبوعات توجه خاص و توجه کافی بآن کردند ولی این توجه کافی نیست. این تصادفات بایستی سبب عبرت بشود. و ما در مقام رفع اشکال بر بیاییم (صدر زاده - قانون مسئولیت مدنی) البته قانون مسئولیت مدنی چاره نهایی است هنگامی که يك چنین تصادفی اتفاق افتاد و آن دستگاه مسئول

مطابق مقرراتی که در بسیاری از کشورها وجود دارد در دستگاه قضائی برایش اقامه دعوی شد و ناگزیر شد بیاید مبالغ هنگفتی جریمه بپردازد البته خواهد کرد. اما حالا که هنوز این قانون مسئولیت مدنی بتصویب نهائی رسیده است میخواهم این سؤال را بکنم بینم مثلاً در مورد این تصادف کدام دستگاه مسئول است؟ آیا اداره راهنمایی و رانندگی مسئول این امر است؟ آیا وظیفه اداره راهنمایی و رانندگی بوده است که بر طبق تمام اصولی که در تمام دنیا رعایت میشود حداقل صد متر قبل علامتی بگذارد؟ در دنیا جاهائی می بینیم که از دو کیلومتر قبل علامت میگذارند ولی حداقل ۱۰۰ متر قبل يك چراغی بگذارند، يك علامت خطری بگذارند؟ آیا اداره راهنمایی و رانندگی مسئول این امر است و یا آنکه آن مقاطعه کار مسئول است؟ اگر مقاطعه کار مسئول است آیا دستگاهی که اینکار را مقاطعه کار برای او انجام میدهد اقدامی در این مورد کرده است یا خیر؟ اگر مقاطعه کار مسئول نیست و در این مورد مثلاً اداره برق مسئول است آیا هم بدانیم که ما بدانیم که حد اقل کدام دستگاه را خطی تشخیص بدهیم. آیا اگر هیچکدام این دستگاهها نیستند دستگاه دیگری وجود دارد که در این قبیل موارد مسئولیت مستقیم داشته باشد؟ آیا این مسئولیت مستقیم متوجه شهر بانی است؟ در مورد این تصادف مخصوص سه دستگاه هست، یکی دستگاه برق است، یکی اداره راهنمایی و رانندگی است و یکی هم شهرداری تهران است این را تشریف بیاورند و بفرمایند که در این مورد مسئول کدام است. (پرفسور اعلم - حالا فرمودند چه می کنید؟) و چنانچه فرمودید مسئول هیچکدام از اینها نیستند آیا وزارت کشور که نظارت کلی بر تمام اینها دارد نباید مسئول را تعیین بفرمایند تا آنها لااقل احساس مسئولیت بکنند شاید جلو گیری از این قبیل تصادفات بشود. مثلاً بنده دیدم دستگاه برق را که آوردند چند روز قبل اطلاع حاصل کردم که يك دستگاه انتقال برق از کارخانه آلستوم جهت انتقال برق به نقاط دور دست کشیده شده است که سیمهای آن تمام لغت است و تنها کاری که بنگاه برق کرده است اینست که اعلان در روزنامه ها کرده که این سیمها لغت است ولی این اعلان کافی نیست و اگر خدای نکرده این سیمها و این دستگاه که در حدود بیست هزار ولت برق را منتقل می کند بکروز پاره شد شما توجه بفرمائید چه تصادفاتی و چه مرگهائی در اثر این جریان ممکن است بوقوع بپیوندد. اجازه بفرمائید قبل از وقوع

واقعه فکر این کار را بکنیم. من البته میدانم که مشکلاتی هست و باید سیم لغت باشد و همه جا همینطور است ولی در کشورهای دیگر این فکرها را کرده اند یکی از طریقیکه خود بنده در همه جا دیده ام اینست که چیزی مثل يك گهواره زیر اینها درست می کنند که اگر سیم پاره شد بیفتد. منتهی اشکال اینست که کسی مسئولیت احساس نمیکند ولی اجازه بفرمائید مردم بدانند که مسئول کیست که اقلاً نفرین را باو بکنند. باین دلیل است که از جناب عالی آقای فرهودی تقاضا دارم این توضیح را بفرمائید و باور بفرمائید که برای شهوت کلام نیست و اینجا نیامده ام که حرف زده باشم، خیر باور بفرمائید این روی مصلحت اندیشی است و برای رفع این اشکال است که از شما استدعا دارم تشریف بیاورید پشت تریبون و بفرمائید مسئول کیست تا ما او را خطی تشخیص بدهیم و او را گناهکار بدانیم. رئیس - آقای مخبر.

ارباب (مخبر کمیسیون کشور) - جناب آقای دکتر رضائی انصافاً تذکرات مفیدی دادند و مواردی را که متذکر شدند مبتنی به عموم است متأسفانه هنوز دستگاهها آنطور که لازم است هماهنگی نشان نمیدهند. مثلاً شهر بانی و پلیس وظیفه خودش را در حدود امکان خوب انجام میدهد ولی شهرداری و برق خودشان يك استقلال خاصی دارند که يك قسمتهائی را رعایت نکنند. بنابراین تاحسن همکاری وجود نداشته باشد این تذکرات البته همه را متذکر و متاثر میکند ولی نتیجه عملش بر بنده معلوم نیست. جناب آقای دکتر فاطمی راجع بوضع عبور و مرور فرمایشاتی فرمودند که اتومبیلها در تهران بقدری زیاد است که شهر تهران قابل هضم آنها نیست. البته از آقایان معذرت میخواهم بین شوخی و جدی اتومبیل خوردنی نیست که شهر بخواد هضم بکند. انتظامات لازم است. خیلی از شهر های خارج را آقایان دیده اند، خیابانها خیلی تنگ تر و وسایط نقلیه زیاد تر است ولی نظم و قاعده وجود دارد. مثلاً هیچ جای دنیا دو چرخه و گاری و اتومبیل و باز کش ده زن و بیست زن و گاو و گوسفند و شتر با بارگاه اینها مخلوط با هم عبور نمی کنند. اگر يك قاعده ای مقرر بشود که اینها هر کدام براه خودشان در ساعات معین عبور بکنند البته شکی نیست که باین صورت نخواهد بود و بایست انتظار داشت که وسایط نقلیه زیاد تر نشود و کمتر بشود. وسایط نقلیه محققاً روز بروز زیاد تر میشود برای اینکه فعالیت زیاد تر میشود

جمعیت زیادتر میشود. دردنیای امروز ده دقیقه وقت خیلی ارزش دارد و دیگر مردم نمی توانند این راههای دور را پیاده بروند یا وسایط کندرو قابل عبور نیست. اینست که باید انتظام کافی برقرار شود مثلاً خیابانها را باید شهرداری توجه بیشتری بکند اولاً این پیاده روهای که ما داریم در هیچ جای دنیا پیاده رو باین باریکی نیست غالباً مردم هم بی نظمی را دوست دارند و از وسط خیابان عبور می کنند و تصادفاتی از این قبیل واقع میشود. علاوه بر این خیابانهای که در وسط شهر هست عریض نیست و بین این خیابانها میشود خیابانهای را احداث کرد و لو آنکه گران تمام شود نسبت به خرید اراضی مردم یا خانه های مردم باید اقدام کرد چون نظم شهر اهمیتش بیشتر است خیابانهای متعددی باید شهرداری ایجاد بکند که عبور و مرور راههای مختلفی پیدا بکند. در اینصورت ممکن است از این راه یک قدری وضع فعلی و ناراحتی های فعلی تخفیف حاصل بکند. راجع به بوق زدن فرمودند که بوق را کارخانه ساخته که بزند کارخانه خیلی چیزها میسازد ولی همه اش هر وقت مورد استفاده نیست، ممنوع کردن بوق زدن یکی از کارهای مفیدی بود که مقرر کردند برای اینکه اعصاب مردم را انواع صداها خسته کرده است و این صدای بوق هم بیشتر خسته اش میکند بنده خودم چند شب قبل دو ساعت بعد از نصف شب شاهد بودم که یکی از همسایه ها نوکرش بخواب رفته بود با بوق اتومبیل میخواست نوکرش را بیدار کند همه همسایه ها را بیدار کرد و ناراحت کرد برای اینکه نوکرش را بیدار کند. خوب این درست نیست بوق زدن در موقع خطر مجاز است. الآن هم موقع خطر بنا همین مقررات بوق زدن مجاز است ولی در غیر موقع خطر مجاز نیست چون بعضی راننده ها میل دارند که دائم بوق بزاند و راه بروند مردم که گناهی ندارند و این یکی از تخلفاتی است که باید حتماً جلوگیری شود. فرمودند که اگر رانندگان گواهینامه خود را همراه نداشته باشند نباید آنها را بداد گاه برد، در موقع تنظیم آئیننامه این قانون ممکنست این قسمتها را پیش بینی بکنند و یک چیزهای ضعیف و خفیفی را البته یک جریمه مختصری قائل بشوند و ساعت مزاحمت نشوند و وقت مردم را تضییع نکنند اینها را باید در موقع تنظیم آئیننامه جناب آقای معاون وزارت کشور توجه فرمایند. یکی از تذکراتی که بنده داشتم اینست که این حق پارکینگ که شهرداری مطالبه میکند قانونی نیست.

آنچه در این مجلس بتصویب برسد قانونی است و لاغیر و آنچه نمایندگان مردم در انجمن شهر بنا بمصالح شهر بتصویب برسانند آنها ما میتوانیم قبول بکنیم که شاید جنبه قانونی داشته باشد ولی هر روز هر کس و هر اداره يك مقررات وضع میکنند بصورت قانون اجرامی کند. يك عده ای نوبی این خیابانها ریخته اند هر کس بمحض اینکه استاد میگوید ۵ ریال بده بعنوان پارکینگ، هنوز پیاده شده پنجریال می خواهند. اصلاً میخواستیم جناب آقای معاون وزارت کشور و شهرداری توجه بکند که این قانونی نیست مردم يك چنین پولی نمی توانند بدهند (بکنفران نمایندگان عوارض اشکالی ندارد) آقا موقعی باید پارکینگ بگیرند که میدان پارکینگ احداث بکنند و ایجاد بکنند و آنوقت هر حقی میل دارند بگیرند. همین خیابانهای که از ده سال بیست سال قبل وجود داشته و مردم عبور می کنند بقیه شان را میگیرند که حق پارکینگ بده، تا پیاده می شوید يك خریدی از يك دکانی بکنید که همیشه پول پارکینگ داد موضوع اداره برق و مقاطعه کار که جناب آقای دکتر رضائی تذکر فرمودند این یکی از تذکرات بسیار مهم است و هر روز در وسط خیابانها حفره چاهی ایجاد میشود بدون علامت و عده زیادی تلف شده اند (صحیح است) میخواستیم عرض بکنم که این مسئولیت متوجه مقاطعه کار نیست، متوجه شهرداری (پرفسور اعلم - و رانندگان) و کسانی است که حفظ انتظامات را نمیکنند مسئولیت متوجه آنهاست که تصور می کنند و باید در این قسمت توجه بکنند و تذکرات جناب عالی هم بسیار مفید بود.

رئیس - آقای دکتر شاهکار موافقت؟

دکتر شاهکار - مخالف.

رئیس - پس تأمل فرمائید. آقای آقایان موافقت؟

آقایان - موافقم.

رئیس - فرمائید.

آقایان - علت موافقت من اینست که معتقدم اگر این لایحه تصویب بشود در وضع رانندگی و راهنمایی يك بهبودی حاصل میشود البته نه خیلی زیاد ولی يك قدری وضع بهتر خواهد شد والا با سایر آقایان موافق هستم که این لایحه و این مقصود نیست و مشکلات را رفع نمی کند بطوریکه آقایان میدانند من فکر میکنم که علت اصلی مشکلات عبور و مرور در شهر تهران تبعیض است. ده پانزده هزار اتومبیل هست که شماره های رنگ برنگ دارند، آقایان

این اتومبیلها تابع هیچگونه مقرراتی نیستند و مصون از هر نوع مجازاتی هستند و یکی از آقایان نمایندگان محترم هم پیشنهاد کرده بودند که شهر بانی مکلف باشد در عرض دو سال این نمرات اتومبیلها را بکنواخت بکند. البته باستثنای اتومبیلهای متعلق بدربار شاهنشاهی و سفارتخانه ها ولی این کار نشد و موافقت نشد و در لایحه هم نیست. بنده معتقدم که تا مادامی که مردم و رانندگان طبق اصول مشروطه در مقابل قانون یکسان نباشند این مشکل حل نمیشود. بایستی که همه مردم تابع مقررات باشند و راجع به عابرین هم که فرمودند اینجا دیگر ما به هیچ نوع ابتکاری احتیاج نداریم و فقط باید از خارجها اقتباس بکنیم و فقط اقتباسمان اینست که برای عابر چراغ میگذارند و روش می نویسند راه بروید یاراه بروید و هر جا هم چراغ ندارند پاسبان ایستاده می گوید بایستید فرماست یاسبز است و بندهم می گوید بروید عبور آزاد است یا اینکه چراغی میگذارند و می نویسند بروید یا بروید (پرفسور اعلم محال است اطاعت کنند) اگر مردم بدانند و بفهمند که به مصلحتشان است اطاعت می کنند. الآن که نمی کنند فکری میکنند که این مقرراتی که وضع شده برای درد سراسر و اگر بفهمند که این آزادی عبورشان را تأمین میکنند و جانشان را تأمین میکنند اطاعت میکنند. از این مردم دیسپلینته در هیچ جای دنیا نیست جناب آقای دکتر شما بروید ببینید برای اتوبوس وقتی پا صد نفر صف می بندند در این آفتاب یادر زیر برف و باران، چقدر مرتب هستند اگر امروز بعضی مقررات را رعایت نمی کنند برای اینست که فکر میکنند که این مقررات بنفعشان نیست (صحیح است) عرض کنم که اگر دولت یا شهر بانی توانست که این مقررات را بکنواخت بکند یعنی همه را تابع قانون بکند موفق میشود و اگر نتوانست وضع بهتر خواهد شد ولی منظور اصلی بدست نخواهد آمد (احسن) در موضوع بیمه خیلی بحث شد، بیمه شخص ثالث که جان مردم محفوظ باشد. آراهم باید رعایت کرد و در قسمت مسئولیت مدنی هم گویا کمیسیون دادگستری آنطور که باید و شاید اصلاحی فرمودند که اقل مسئولیت صاحبان وسائط نقلیه مستحضر باشند مسئولیت مدنیشان و مسئولیت حقوقیشان معلوم باشد. البته مسئولیت جزائی با راننده است بعرضم خاتمه میدهم فقط میخواستیم يك موضوعی را اینجا متذکر شوم و توصیه کنم و آن این است که در حل این مشکلات، بایستی ابتکار از خودمان

نشان بدهیم باید به بینیم آن ممالکی که این مشکلات را قبل از ما داشته اند چگونه آنرا حل کرده اند راجع به تاکسیها فرمودند، آقا راننده تا کسی جزو محرومترین طبقات این مملکت است روزی بیست ساعت کار میکند و باندازه يك بنا گیرشان نمی آید. شما ابتکاری که میفرمائید جناب آقای دکتر فاطمی سرور گرامی بنده اینست که میفرمائید محلی برای پارکینگ تاکسیها بگذارند که این تاکسیها دائم در حرکت باشند، این کار را کردند و جا هم برایشان تعیین کردند. ولی آن اتومبیلهایی که مصون از مجازات هستند رفتند جای پارکینگ تاکسیها را گرفتند و این تاکسیها دیگر جای پارکینگ نداشتند. در بازار کردند در سعدی در هر خیابان چهار پنج جای پارکینگ تعیین کردند و پلاک هم گذاشتند ولی همان اتومبیلها که بنده عرض کردم و آنها هم که مصون از مجازات هستند و تابع مقررات نیستند، آنها هم که شماره های رنگ برنگ دارند رفتند و جای آنها را گرفتند و الا کسی که باید مصون باشد و شماره خاص داشته باشد یعنی نمایندگان مجلسین، اینها که شماره شان سفید است و جریمه هم میدهند پس بقیه اتومبیلها چرا جریمه ندهند؟ بنده دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای دکتر شاهکار

دکتر شاهکار - بنده خیال میکنم در يك امر باین مهمی که میتوانم بگویم بعد از غضب الهی و زلزله ها یکی از بزرگترین خطرات زندگی روز مره و زندگی مملکت ما تصادمات اتومبیل است، این واقعاً در شأن مجلس مقدس شورای ملی است که بیشتر باین مسأله توجه دقیق بکند و خدمتی است که باین مردم خواهند کرد. بنده خیلی دلم میخواست به بینم آقای فلیکس آقایان که بعنوان موافق صحبت میفرمایند و موافقت میفرمایند چه صحبتهایی میکنند، دیدم خوب ایشان هم يك راه حلهائی پیشنهاد کردند که بیشتر بنفع مردم است. انشاءالله همانطور که گفتند آقای معاون وزارت کشور این عراضی را که بنده میکنم و این تذکراتی که نمایندگان محترم میدهند اینها را باز گو بفرمایند تا بیک نتیجه ای برسند. شما به این لغت راهنمایی و رانندگی توجه فرمائید و دقت فرمائید که لغت چه می گوید، مفهوم چه میگوید عمل چه می گوید. این مسأله را بنده باید بگویم که عادت بر این شده است که وقتی ما اینجا از يك اداره صحبت میکنیم خیال میکنند مقصود رئیس آن اداره است، در صورتیکه باید تصور کنیم منظور رئیس

آن اداره است، میگویند رئیس آنجا مرد خوبی است، بنده هم معتقدم مرد خوبی است ولی بنده منظوم رئیس نظمیته و رئیس راهنمایی نیست. يك خيابانی در شمیران است که این یکی از مفتخرترین اسمهای ایرانی را دارد و اسمش خيابان سيناست بنده از آنجا می‌رفتم دیدن یکی از دوستانم که پدرش مرده بود. سر آن خيابان يك افسر راهنمایی ایستاده بود انومبیل را نگاهداشتیم و خیلی مؤدب به آزدان سلام عرض کردیم گفتیم آقا خيابان سينا کجاست؟ گفت چرا به من می‌گویند؟ نمی‌دانست کجاست پیاسبانی که در آنجا بود گفتم آقا چند وقت است که اینجا هستی؟ گفت یکسال است که ما در اینجا هستیم. گفتیم خيابان سينا کجاست؟ گفت این خيابان سيناست و خيابان در چهارمتری من قرار گرفته بود. ما نمی‌گوئیم که اگر يك خارجی بیاید، من این را نمی‌گویم، يك ایرانی، بنده تهرانی طباطبائی که پدر و مادرم در تهران بوده‌اند و خودم در تهران هستم از چه کسی بروم پرسیم که فلان خيابان کجاست؟ این یکی از درسهای است که شما باید به آن آقا بدهید. فلان مزلقانی را می‌آورند در تهران پاسبان راهنمایی و رانندگی می‌کنند و این خيابانها را نمی‌شناسد (صدرزاده - آوقت هر روز هم اسم خيابانها را عوض می‌کنند) و هر روز هم اسم خيابانها را عوض می‌کنند. اينها يك مطالبی است، يك اصولی است که در دنیا حل شده است (دکتر رضائی - باید کتابچه بآنها بدهند) آن افسری که آنجا هست نمیداند، نباید وقتی کسی از آنجا رد می‌شود از او پرسد که چه فتوحی کجاست او را به سلسبیل نفرستد این را باید بدانند والا بنده از چه کسی پرسیم (دکتر رضائی کتابچه خیلی مفید است) کتابچه سر جای خودش اطلاعات اولیه را هم ندارند. مطلب دومی که بنده اینجا بازاستناد میکنم به آرشیو وزارت کشور و آرشیو شهرداری بنام يك نماینده تهران و بنام يك فرد ضعیف این مملکت، بنده يك نامه نوشته بودم به وزیر کشور و يك نامه نوشتم به شهردار تهران و يك نامه نوشتم به آقای رئیس راهنمایی و رانندگی یکی از رفقا الان خوب چیزی گفت که بین اینها هماهنگی نیست و همکاری نیست، رانندگی در شب در تهران بود در صدد يك لوئری است، این راننده بوش را می‌اندازد در چشم دیگری و آن یکی هم لچ می‌کند و می‌اندازد نوری چشم این یکی، گفتیم بروید ببینید در تمام دنیا در شب مردم چگونه رانندگی می‌کنند، این چراغی که سه قسم دارد،

یکی چراغ لوت چراغ جاده، یکی چراغ خيابان و یکی چراغ کوچک، يك چندروزی می‌آمدند جلوانومبیل را می‌گرفتند و يك ابروی سیاه میکشیدند بعد هم فراموش شد. این را چند مرتبه آدم تذکر بدهد که وظیفه اصلی راهنمایی و رانندگی نیست که این نوری که مثل چشم کرک می‌خورد نوری چشم راننده و عملاً و فیزیکی نمی‌تواند رانندگی بکند. چراغ این را بکنند (یک نفر از نمایندگان در بیابانها هم همینطور است) اما مطلب بسیار جالبی که دوست عزیز من آقای دکتر رضائی مطرح کرد، این قضیه مسئول کیست، جناب آقای دکتر رضائی حق دارید این سؤال را بکنید اما خودتان هم میدانید که این مسائل حل شده است اما دنبال مسئول نمیرود (دکتر رضائی - من می‌خواستم ببینم که آقای معاون وزارت کشور میدانند؟) آقای معاون وزارت کشور هم میدانند خیلی خوب هم می‌دانند. شما ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی را باز کنید به بینید چیست هر کس در اثر بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم رعایت مقررات و انتظامات مرتکب قتل دیگری شود از یکسال تا سه سال (صدرزاده - ۱۸ ماه تا سه سال حبس و خسارتش را هم باید بدهد) بی احتیاطی، متضامناً نمی‌گویند، یکی از اینها: بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم رعایت مقررات، خوب مردك آمده وسط جاده يك حفرة ۳/۵ متر در ۴/۵ متر یعنی جای ۱۶ نفر مرده درست کرده و اینقدر احتیاط نمی‌کند که يك بیرق قرمز بزند، شمارا بخدا آقایان این کامیونهای که در ممالک خارجه شب راه می‌روند دقت بفرمائید تمام این عرض و طول و آن سومی‌اش که بعد است تمام این سه قسمت، آقایان مهندسین، با چراغهای قرمز کوچک روشن است یعنی شما در بیست متری یا سی متری و صد متری حجم این مانع را می‌بینید یکی از بهترین فرزندان این مملکت، یکی از مهندسین در نتیجه عبور بی قاعده تیرهای آهن مرد و چهارتا بچه را بدون سرپرست گذاشت (یک نفر از نمایندگان - چندین نفر اینطور شدند آقا) هر روز این حوادث هست. ما در قانون مدنی داریم، در قانون مجازات عمومی داریم. بکروز در پشت رادیو عرض کردم که مملکت ما از حیث قانون فقیر نیست بلکه اجرا نمی‌شود یا بقول آقای مهندس فروهر باید بروید چاله را تمهید بکنید. خوب آقا شما که از این کار استفاده میکنی مسئولیتش هم بهمه خودت است. در یکی از مهمانخانههای اروپا آسانسور وسط راه گیر کرد، مسافر فرسید

و از کارش عقب افتاد. رفت اقامه دعوی کرد، ترس فلان مبلغ، تاخیر در کار فلان مبلغ، بشرافتان قسم محکمه ابتدائی، محکمه استیناف، دیوان عالی کشور محکوم کرد جناب دکتر رضائی، میدانی که را محکوم کرد؟ آن دیر کتور مدیر اصلی مهمانخانه را محکوم کردند آسانسورچی را و گفت آقا تو استفاده می‌کنی، باید خسارت را هم بپرداز می‌شما دارید نوری خيابان راه می‌روید، گلدان را گذاشته‌اند روی برده کوچک، بنده فقیر از آن زیر رد می‌شوم گلدان روی سرم می‌افتد و میمیرم، آقا این مسئولیت دارد، بی احتیاطی کرده، بخصوص که حالا دارند با جان مردم بازی می‌کنند این مسائل حل شده است، گیرم باید يك راه حلی برایش پیدا کرد، اما آنچه بیشتر سبب شد که بنده اینجا تذکر بدهم و بخصوص جلب توجه و عنایت مقام محترم ریاست را باین عرض می‌کنم اینست که من هیچ حرفی راجع باین ماده که بیابند جریمه را در همان محل بگیرند یا بگیرند ندارم. این عمل در همه دنیا هست، اما حالا که این موضوع مطرح است ما باید يك فکر اساسی نری برای این تذکراتی که آقایان فرمودند بکنیم مخصوصاً راجع به مسئولیت مخصوصاً راجع به مطلبی که آقای مخبر به آن اشاره کردند قضیه پارکینگ، این مطلب باید مورد دقت قرار بگیرد من در قضیه مسئولیت اصرار می‌کنم الان وزیر راه جاو کامیونها را میگیرد که چون تو فشارت زیاد است جاده مرا خراب میکنی من نمیگذارم ردشوی اما این مطلب مهمتر است این کار با جان صغری و سکینه و داریوش و اردشیر ارتباط دارد این مطلب مهمی است من میگویم وزیر راه کار بسیار خوبی کرد او مسئول جاده‌های مملکت است اما ما مسئول جان مردم هستیم باید این را سخت گیری کرد تا نتیجه‌ای که میخواهیم بگیریم باز عرض میکنم من در ماده ۱ و ۲ و ۳ بعضی حرفها دارم که در موقع خودش خواهم گفت اما این کار را در شأن رسیدگی دقیق در کمیسیونهای دادگستری مجلسین میدانم که دقیقاً باین مطالب رسیدگی کنند و اگر مجلس شورای ملی موافقت بکند و ریاست محترم مجلس اجازه بدهند این قانون بر گردد بکمیسیون مشترک دادگستری بنظر بنده این قانون بر گردد به کمیسیون مشترک دادگستری با اختیاراتی که آقای وزیر دادگستری دارند کمیسیونهای مشترک رسیدگی کنند. این رد کردن لایحه نیست الان ما در شور دوم هستیم اگر آنجا تصویب شود هم صورت اجرائی

دارد و هم جنبه آزمایش دارد و هم دقت بیشتری خواهند کرد و هم طبق قانونی که تصویب فرمودید از نظر اجرائی رسیدگی خواهد شد این رامن صریحاً از نظر دفاع از حقوق مردم میگویم والا با ماده ۳۱ و ۳۲ کاری ندارم. رئیس - آقای فرهودی. معاون وزارت کشور (فرهودی) - بنده دو مطلب را میخواستم اینجا عرض کنم یکی اینکه البته مباحث راجع به امور رانندگی و تصادفات و پیاده‌روها و سواره‌روها بسیار صحیح است ولی این مباحث قابل اینکه در يك لایحه گنجانیده شود نیست، روح این لایحه را باید دید، روح این لایحه عبارت از اینست که متخلفین راهنمایی و رانندگی را بجای اینکه جمع کنند در يك جائی برای رسیدگی بکارشان و جریمه‌شان بکنند در همان محل وقوع تصادف فوراً جریمه کنند که وقت زیادتری را صرف نکنند چهار روز محکمه و اینطرف و آنطرف بروند و آوقت مثلا ۲۰ تومان جریمه بدهند یکمربعه ۵، ۱۰، ۲۰ تومان جریمه‌شان بکنند و راحتشان بکنند این جریمه هم بهیچ وجه آثار جزائی نسبت به راننده ندارد و فقط باعث میشود که راننده در کارش بیشتر دقت کند این روح ماده است و بعد هم در آمدش در وزارت دارائی جمع میشود و بصرف اصلاح وضع عبور و مرور میرسد اما اینکه جناب آقای دکتر شاهکار فرمودند که این لایحه در شأن کمیسیون دادگستری مجلسین است، دو سال و نیم است که این لایحه در مجلسین مطرح است، در مجلس سنا دو شور شده است دو مرتبه هم بکمیسیون دادگستری رفته، در مجلس شورای ملی هم دو شور شده یعنی دو مرتبه بکمیسیون دادگستری مجلس رفته امضای مخبر کمیسیون دادگستری هم زیرش است، بنابراین بنده تصور میکنم فرضاً اگر این لایحه بر گردد نه آن کمیسیون عوض میشود نه اعضای آن عوض میشوند بعد هم آقای وزیر دادگستری در ضمن لوایحی که تقاضا کرد در کمیسیون مشترك مجلسین مطرح بشود، یکی هم این بود منتهی در کمیسیون کشور و دادگستری مذاکره شد که این لایحه از قبیل آن لوایحی که اجازه خاص میخواهد نیست يك مسائل مالی و انتظامی در آن هست در صورتیکه آن قوانینی که اجازه دادند کمیسیون مشترك دادگستری رسیدگی کند صرفاً قضائی است در حالیکه در این لایحه مسائل انتظامی و مالی هست و يك قسمت هم يك اجازه داده است که رأی بدهد بنابراین این از حوزه آن ماده و اخذ

خارج تشخیص داده شد حالا آورده اند مجلس و حالا هم رأی با خود آقایان است اگر منظور اینست که طفره ای رفته باشند این يك مطلبی است (دکتر شاهکار - طفره یعنی چه این لغت را چرا استعمال می کنید؟) یعنی این کار به فردا بیفتد (دکتر شاهکار - شما راجع به اصل لغت بفرمائید طفره یعنی چه؟) بهر صورت دقت های لازم شده دومیته در کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی و دومیته هم در کمیسیون دادگستری مجلس سنا یکمترتبه هم اینجا و نتیجه آن شده که آیا صلاح هست و جزء آن قوانینی هست که برود کمیسیون مشترک دادگستری یا خیر؟ حالا اگر صلاح هست برود ما حرفی نداریم.

رئیس - اینجا تذکری آقای دکتر شاهکار دادند راجع به این لایحه و من باید توضیحی بدهم، این لایحه از سنا آمده، شور اول آنها در مجلس گذشته و به کمیسیون دادگستری هم رفته حالا شور دوم است اینستکه این لایحه بهیچوجه نمیتواند به کمیسیون مشترک برود. چون کمیسیون مشترک يك وظایف دیگری دارد ولی میشود اگر نواقصی در لایحه می بینید يك پیشنهادی بکنید ۱۵ نفر هم امضاء بکنند یا طبق نظر خود من بر طبق ماده ۱۱۶ آئیننامه به کمیسیون دادگستری و کمیسیونهای مربوطه برود و اگر نظر اصلاحی هست آنجا بفرمائید ولی بعنوان اینکه به کمیسیون مشترک برود چون جریانش را طی کرده میشود، حالا بنده رأی میگیرم (صدر زاده - من اجازه خواستم) اجازه شما محفوظ است والان نوبتتان است بفرمائید. **صدر زاده** - عرض کنم لایحه ای که وزیر دادگستری به مجلس شورای ملی داد این بود که لوایح مربوط به وزیر دادگستری به کمیسیون مشترک برود. این لایحه مربوط به وزیر دادگستری من جمیع الجهات نیست بلکه وزارت کشور هم دخالت دارد و وزارت دارائی هم دخالت دارد بنا بر این مشمول آن قانون نمیتواند باشد. اما راجع به لایحه تذکراتی که آقایان در مجلس دادند بسیار تذکرات مفیدی بود ولی ارتباطی با این لایحه غالباً نداشت مثلاً راجع به کثرت عبول و مرور و ایاب و ذهاب یکی از همکاران فرمودند که تهران استمداد هضم اینقدر ماشین آلات را ندارد ولی فراموش کردند که کمپانی های وارد کننده خیلی قدرت هضم منافع این ماشینها را دارند که از بابت این ماشینهایی که وارد میکنند ملاحظه بفرمائید که چقدر کمپانی وارد کننده ماشین در این مملکت وجود دارد و چه استفاده هایی میبرند و هیچ

معلوم نیست که مالیاتش را هم بر طبق مقررات بدهند یا خیر ولی اجلا میدانیم که در تمام مشاغلی که در این مملکت هست شکست و توقیفی وجود دارد جز در مساله نمایندگی ماشین آلات که هیچ وقت برای آنها زیان ندارد اینقدر معامله پرسود است که هیچ وقت شکست ندارد، اما راجع به مساله ای که جناب آقای دکتر رضائی فرمودند در قوانین ما البته اقتباس از قوانین اسلام است که من ائلف مالا ضمنه اگر کسی مالی را تلف بکند ضامن است که آن مالی را که تلف کرده جبران بکند و این يك قاعده است همین مساله هم در قانون مدنی ما بعنوان تسبیب و ائلاف مطرح شده است ولی راجع باین نوع خسارات بخصوص که مثلاً حفراهای حفر میکنند و موجب خسارات میشود اخیراً وزارت دادگستری يك قانونی بنام مسئولیت مدنی تقدیم کرد و در کمیسیون مشترک هم تصویب شده و گمان میکنم الان این قانون قطعیت اجرا پیدا کرده است، يك مطلب تازه ای است که در دستگاههای ما بوجود آمده و در ضمن عمل اگر نواقصی داشته باشد رفع خواهد شد ولی بهر حال فکرهاست شده است و يك راهی باز شده است که هر شخصی نتواند با بی احتیاطی خودش خساراتی وارد بیاورد و قابل جبران نباشد بلکه همانطور که جناب آقای دکتر شاهکار تذکر دادند بموجب دو قانون قابل تعقیب است یکی از راه قانون مجازات عمومی از بابت اینکه تخلف کرده و بی احتیاطی کرده یکی هم از طریق قانون مسئولیت مدنی که از این راه خساراتی وارد ساخته، اما راجع باین قانون بخصوص گمان میکنم توضیح ضرورت داشته باشد برای اینکه الان برای رانندگان اشکالی که هست اینست که الان رانندگان تخلفی که میکنند پروانه شان را میگیرند و میبرند اداره راهنمایی آنوقت چند روز باید برود و بیاید تا جریمه اش را بپردازد آنوقت ماشین راننده ای که او تخلف کرده بکلی متوقف مانده است و آن خانواده و عائله ای که میخواستند از این اتومبیل استفاده کنند نمیتوانند، اینجا این طریق اتخاذ شده است که در همان محل و آنآ وجه مورد جریمه را بپردازد و اگر اعتراض دارد میتواند برود و اعتراض بکنند نهایت برای اینکه اگر اعتراض بی جا هست اسباب تطویل محاکمه و اسباب کثرت و تراکم کار نشود يك مبلغ هم تعیین شده که اگر اعتراض کرد و بعد معلوم شد که اعتراض او بی مورد است مبلغی بپردازد که صرف امور مفید بشود بنده خواستم از آقایان نمایندگان محترم تقاضا

کنم که چون این لایحه در سه کمیسیون مورد رسیدگی واقع شده والان هم شور دوم است موافقت بفرمائید که این لایحه بگذرد بعد نظریاتی که دارند ممکن است وزارت کشور یا وزارت دادگستری يك لایحه جدیدی تهیه کند یا بکمیسیون مشترک دادگستری بدهد ضمناً چون لوایح دیگری هم در دستور مجلس شورای ملی است آقایان موافقت بفرمائید که این لایحه زودتر تصویب شود.

رئیس - يك پیشنهادی رسیده است بامضای ۱۵ نفر از آقایان که لایحه برگردد بکمیسیون این پیشنهاد قرائت می شود.

(بشرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

امضاء کنندگان پیشنهاد میکنیم برای تکمیل و رفع نواقص لایحه (رانندگی و راهنمایی) بکمیسیون مجلس برگردد.

مهندس فروهر - جلیلووند - ابتهاج - حکیمی - قبادیان - مهران - بوربور - دکتر سید امامی و چند امضای دیگر.

رئیس - آقای مهندس فروهر يك توضیحی بدهید.

مهندس فروهر - توضیح راجع باین پیشنهاد که ۱۵ نفر از آقایان امضاء فرمودند خیلی کوتاه خواهد بود که لایحه ای که باستناد اظهارات آقای معاون وزارت کشور فقط موضوع جریمه سبک در محل است و نبردن مردم بداد گاه و اینکه از بلا تکلیفی خلاص بشوند، این لایحه تبدیل شده است و ضمناً در مواد ۲ و ۳ آمده که این لایحه را سنگین کرده است، موضوع سرعت و سبقت غیر مجاز یا ضبط تصدیق برای سه مرتبه ۶ ماه برای سه مرتبه دیگر یکسال و خلاصه اینها غیر از موضوعی است که معاون وزارت کشور فرمودند و همین امر سبب شد که آقایان در اینجا راجع باین مطالب بحث فرمودند و پیشنهاد کردند که برگردد به کمیسیونهای مربوطه که راجع بجرائم البته کمیسیون دادگستری صالح است و راجع به مقررات کمیسیون کشور صالح خواهد بود و پیشنهاد فرمودند که این لایحه برگردد به کمیسیونها برای رسیدگی مجدد بنا بر این برای تکمیل این قانون که ما میگوئیم بسیار مفید و لازم است و نگرانی ما اینست که از این نتیجه بگیریم اینست که استدعا شده که مجلس رأی بدهد و برگردد به کمیسیون و الا تماماً معتقدیم که هر چه زودتر این لایحه تصویب بشود و وضع راهنمایی و رانندگی در شهر تهران بهبود یابد.

رئیس - آقای دکتر رضائی مخالفید (دکتر رضائی - بلی) بفرمائید.
دکتر رضائی - سروران گرامی شاهد هستند که خود من از کسانی بودم که تذکراتی حضور آقایان عرض کردم آقایان دیگری هم که تذکراتی دادند همه جنبه تذکر داشت و هیچکدام احتیاج به وضع قانون نداشت اینجا مطالبی بود که لازم بود در اجرای قوانین وزارت کشور دستگاہهای مربوطه دقت بکنند بنده امیدام چه فایده ای متصور است از اینکه ما این لایحه را مجدداً به کمیسیونها بفرستیم و در آنجا مورد شور قرار بگیرد همینطور که اینجا آقای معاون وزارت کشور که من از ایشان کله میکنم که هنوز جواب سؤال را ندادند فرمودند این لایحه يك منظور خاصی دارد و آن منظور خاص در موادی که اینجا ذکر شده کاملاً مفهوم است بنا بر این اگر آقایان اجازه بفرمائید با گذشتن این قانون و تصویب مجلس شورای ملی آن نظر تأمین میشود حالا مطالبی که فرمودید و مصر هم هستید که مراعات بشود در عمل اجرا میشود ولی این مطالب هیچکدام احتیاج به مصوبات قانون ندارد و من نمیدانم، چه نتیجه ای میگیریم که این لایحه را برگردانیم به کمیسیون مگر اینکه بخواهیم راجع به مطالب دیگری که بهیچوجه ربطی باین قانون ندارند صحبت کنیم در آن صورت به لایحه و قانون دیگری احتیاج خواهد بود و الا با ارجاع مجدد این لایحه به کمیسیون هیچ نتیجه ای عاید نخواهد شد.

رئیس - آقای صدرزاده

صدر زاده - مخالفم

رئیس - آقای فخر طباطبائی

فخر طباطبائی - بنده با این پیشنهاد مخالفم برای اینکه کمیسیون دادگستری بدقت رسیدگی کرده است.

رئیس - فقط پرسیدم مخالفید یا موافق، آقای دکتر

جهانشاهی

دکتر جهانشاهی - مخالفم

رئیس - عمیدی نوری

عمیدی نوری - موافقم

رئیس - بفرمائید

عمیدی نوری - علاقه ای که باین لایحه هست و حسن تنظیم و حسن اجرای آن باعث شد که دقتی بشود و بیشتر رسیدگی بشود و چون اصل لایحه قضائی است و چون دادن اختیار بافسران شهرهای است که محاکمه

کنند و جریمه کنند در این صورت يك لايجهای است که جنبه قضائی دارد. فکر کردیم که برود به کمیسیون مشترك دادگستری که در آن کمیسیون مشترك دادگستری که همین دیشب دو لایحه مفصل را تصویب کرد بنشینند اصلاح کنند و با این نظر لاقبل دیرتر از آن فکر اجرا خواهد شد برای اینکه ما عصر چهارشنبه کمیسیون مشترك دادگستری داشتیم رسیدگی و تصویب میشد و پنجشنبه اجرا میشد ولی این لاقبل اینست که باید برود به سنا و آنجا که اصلاح شد میاید اینجا خلاصه این لایحه ۶ ماه دیگر هم اجرا میشود حالا که این نظر نشد گفتیم برود اصلاح بشود برای اینکه نواقص زیاد دارد مثل اینکه نوشته است این قانون در شهر اجرا بشود و بعد هم ده روز بعد از نشر آگهی مدت قائل شده است، اولاً شهر کجاست؟ و ۱۰ روز از چه روزی است؟ (یک نفر از نمایندگان - اصلاح کنید) آقا شور دوم است میشود دست زد اشکال این است اینکه ما میگوئیم برود به کمیسیون برای چیست؟ برای اینست که تا پنج روز اصلاح بشود و درست بشود، بنده حالا نمیتوانم دست بزنم در ماده هست که این قانون در شهر اجرا بشود شهر کجاست؟ تهران را میگویند؟ اصفهان را میگویند؟ من اشکالات را عرض میکنم، بعد میگویند سه روز از ساعت اخطار آن ساعت اخطار را چه وقت حساب میکنیم؟ و کی حساب میکنند آیا آن مأموری که اخطار میکند دفتر دارد که مینویسد یا اینکه شما دفتری دارید که می نویسید وقتی من را توقف کرد بمن میگوید بنده من میگویم نمیدهم سه روز هم میگوید، ای، سه شبانه روز، اینها اشکالات کار است، از نظر عبارت قانون میگوید سه روز از ساعت اخطار بنده سه روز از ساعت اخطار را يك امر غیر قابل اجرا میدانم یا اقلاباً با اشکال میدانم، این قانون با چندین هزار نفر تماس دارد، سعی کنید قانونهایی که جنبه عمومی دارد اگر روز این کمیسیون دادگستری و کشور بنشینند و اصلاح کنند و بیارند این بهتر است که اینطور و باین شکل تصویب شود و این قانون اشکالاتی دارد که من در موقعش خواهم گفت باین جهت بنده از طرفداران این هستم که در قوانین اگر دقت بشود درست نوشته شود پنج روز دیرتر باشد بهتر است از اینکه از نظر سرعت قانون ناقص بنویسیم و بعد در اجرا مواجه با اشکال بشویم باین جهت من موافق با این پیشنهاد هستم.

رئیس - پیشنهادی که رسیده طبق ماده ۱۱۶ است در

این ماده مصرح است که باید گزارش کمیسیون در ظرف پنج روز برگردد به مجلس و بیش از پنج روز نباید تأخیر شود. قرائت میشود که رأی میگیریم (مجدداً بشرح سابق قرائت شد) آقای فرهودی.

فرهودی - در این مورد شهر که فرمودند، در شورای اول هم گفته شد و گویا در چاپ اشتباه شده است، این اصلاً در هر شهر بوده است.

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد رجوع به کمیسیون موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - به کمیسیون فرستاده میشود که طبق ماده ۱۱۶ اصلاح و گزارش آن به مجلس داده شود.

۵ - طرح گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع باصلاح تبصره ۵ قانون افزایش اعتبارات کشاورزی و تصویب آن

رئیس - لایحه اصلاح تبصره ۵ قانون افزایش اعتبارات کشاورزی از سنا برگشته فقط يك کلمه (شده) در آنجا تبدیل به (میشود) شده نامه مجلس سنا و لایحه اصلاحی قرائت میشود:

(بشرح زیر خوانده شده)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

لایحه شماره ۱۰۳۶ - ۳۹/۱/۲۸ دولت راجع باصلاح تبصره ۵ قانون افزایش اعتبارات کشاورزی مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۳۸ مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ برای شورای اول مطرح و چون پیشنهاد فوریت شد بدو فوریت و سپس لایحه مزبور بتصویب مجلس سنا رسید

رئیس مجلس سنا

لایحه اصلاح تبصره ۵ قانون اصلاح افزایش اعتبارات کشاورزی مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۳۸ مجلس سنا

ماده واحده - تبصره پنج قانون اصلاح قانون افزایش اعتبارات کشاورزی مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۳۸ مجلس سنا بشرح ذیل اصلاح میشود.

تبصره - اسناد ذمه که از طرف گیرندگان وام به شعب و نمایندگان گنهای بانک کشاورزی داده میشود.

رئیس - این کلمه (میشود) (شده) بوده که تبدیل به میشود گردیده که شامل آینده هم بشود.

(بقیه ماده واحده بشرح ذیل خوانده شد)

و همچنین اسناد ذمه مربوط به صندوقهای روستائی و شرکتهای تعاونی که تحت نظر بانک اداره میشود نمایان

بیست هزار ریال در حکم اسناد رسمی است که لازم الاجرا خواهد بود.

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ شمسى بتصویب مجلس سنا رسیده است. رئیس مجلس سنا

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که باین اصلاح موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۶ - شور اول گزارش کمیسیون فرهنگ راجه به تأسیس دانشکده و مدارس عالی ملی

رئیس - طرحی که از طرف آقایان راجع به تأسیس دانشکده و مدارس عالی ملی داده شده گزارش شور اول آن که از کمیسیون فرهنگ رسیده مطرح است. قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

گزارش از کمیسیون فرهنگ بمجلس شورای ملی

کمیسیون فرهنگ با حضور آقای معاون وزارت فرهنگ در جلسه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۹ طرح آقایان نمایندگان محترم در مورد تأسیس دانشکده و مدارس عالی ملی را مورد رسیدگی قرار داده و پس از بحث و مذاکرات لازم با اصلاحاتی تصویب نمود اینک گزارش آنرا بشرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی مینمایند.

ماده ۱ - وزارت فرهنگ مجاز است باشخاص حقیقی یا حقوقی که صلاحیت اخلاقی و مالی آنها تأیید نماید اجازه تأسیس يك یا چند دانشکده و یا مدرسه عالی که متناسب با احتیاجات کشور باشد در هر يك از نقاط کشور که مناسب و مقتضی با تصویب شورای عالی فرهنگ اعطاء کند.

تبصره - اعطاء اجازه مؤسساتی که بمنظور انجام خدمات فرهنگی تشکیل و طبق مقررات به ثبت رسیده و یا برسد و دارای شخصیت حقوقی باشد مشروط باین است که برای اداره کردن دانشکده شخصی را تعیین و معرفی نمایند که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و مسئولیت اداره کردن دانشکده یا مدرسه عالی را از هر جهت رسماً بر عهده گیرد.

ماده ۲ - مؤسس باید اعتباراتی که برای دانشکده یا مدرسه عالی که تقاضای تأسیس آنرا دارد تهیه نموده با مدارک آن ضمیمه درخواست خود بوزارت فرهنگ تقدیم نماید و صدور اجازه تأسیس موکول باین است که اعتبارات بنظر وزارت فرهنگ موجه و منکفی بوده باشد.

ماده ۳ - مؤسس برای اداره کردن دانشکده یا مدرسه عالی کسیرا بوزارت فرهنگ معرفی نماید که لاقبل واجد شرایط زیر باشند:

۱ - داشتن درجه دکتری در رشته مربوط یا معادل آن

۲ - چهل سال تمام داشته باشند.

۳ - دارای سه سال تدریس در دانشکده های ایران و یا خارجه و یا شش سال سابقه فرهنگی.

تبصره - در صورتیکه مؤسس تقاضا نماید وزارت فرهنگ با رعایت شرایط فوق مدیری را معرفی خواهد نمود.

ماده ۴ - استادان و دانشیاران و دبیرانی که رئیس دانشکده برای تدریس در دانشکده انتخاب بنماید باید با موافقت وزارت فرهنگ بوده و صلاحیت علمی آنها برای تدریس در رشته مربوط مورد تصویب شورای عالی فرهنگ باشد. شرایط استخدام استادان و دانشیاران و دبیران و حقوق و مزایای آنان بر طبق آئین نامه این قانون خواهد بود

ماده ۵ - شرایط ورود برنامه تحصیلی دانشکده و مبلغ ورودی و ماهیانه ای که از محصلین برای تأمین بودجه دانشکده دریافت میشود و همچنین عده محصلینی که در هر سال باید در دانشکده پذیرفته شوند با موافقت وزارت فرهنگ خواهد بود.

ماده ۶ - وزارت فرهنگ مکلف است همه ساله در بودجه خود مبلغی برای کمک به بودجه این قبیل دانشکده ها و مدارس عالی منظور نماید و در مقابل میتواند متناسب مساعدتی که مینماید يك عده محصل غیر متمکن که واجد شرایط تحصیلی باشند بدانشکده معرفی کند که براینگان و یا ماهیانه کمتری تحصیل نمایند.

ماده ۷ - دانشجویان اینگونه دانشکده ها و یا مدارس عالی از تسهیلات نظام وظیفه و مزایای دانشنامه و همچنین فارغ التحصیلان رتبه اول دانشکده ها از لحاظ اعزام بخارج بخرج دولت استفاده خواهند نمود.

ماده ۸ - در صورتیکه دانشکده ها و مدارس عالی مذکور در این قانون نواقص و معایب فنی و اداری داشته باشند که ادامه آن به مصلحت فرهنگ کشور نباشد و مؤسس یا مؤسسین با اخطار قبلی وزارت فرهنگ نواقص را مرتفع سازند وزارت فرهنگ مکلف است با تصویب شورای عالی فرهنگ آن دانشکده یا مدرسه عالی را تعطیل و اجازه آنرا لغو نماید.

تعیین تکلیف دانشجویان این قبیل دانشکده ها و یا

مدارس عالی طبق آئین نامه‌ای خواهد بود که وزارت فرهنگ تهیه مینماید .

ماده ۹ - اشخاص حقیقی یا حقوقی که قسمتی از درآمد سالیانه خود را باینسکونه دانشکده ها و یا مدارس عالی میدهند و جوه پرداختی بحساب هزینه قابل قبول مالیات بر درآمدشان در همان سال منظور میگردد .

ماده ۱۰ - وزارت فرهنگ مکلف است پس از تصویب این قانون آئین نامه های آنرا ظرف سه ماه تهیه و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجرا گذارد .

ماده ۱۱ - وزارت فرهنگ مأمور اجرای این قانون میباشد .

نخبر کمیسیون فرهنگ - صدرزاده

رئیس - کلیات مطرح است . دربرک مخالف و موافق کسی اسم ننوشته . رأی گرفته میشود برای ورود در شور مواد آقابانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده اول قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - وزارت فرهنگ مجاز است باشخاص حقیقی یا حقوقی که صلاحیت اخلاقی و مالی آنان را تأیید نماید اجازه تأسیس يك یا چند دانشکده و یا مدرسه عالی که متناسب بااحتیاجات کشور باشد در هر يك از نقاط کشور که مناسب و مقتضی بداند با تصویب شورایعالی فرهنگ اعطا کند .

تبصره - اعطاء اجازه بمؤسسانی که بمنظور انجام خدمات فرهنگی تشکیل وطبق مقررات به ثبت رسیده و یا برسد و دارای شخصیت حقوقی باشد مشروط باین است که برای اداره کردن دانشکده شخصی را تعیین و معرفی نمایند که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و مسؤلیت اداره کردن دانشکده یا مدرسه عالی را از هر جهت رسماً برعهده گیرد

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده دوم خوانده میشود :

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۲ - مؤسس باید اعتباراتی که برای دانشکده یا مدرسه عالی که تقاضای تأسیس آنرا دارد تهیه نموده بامدارك آن ضمیمه درخواست خود بوزارت فرهنگ تقدیم نماید و صدور اجازه تأسیس موکول باین است که اعتبارات بمنظور وزارت فرهنگ موجه و مکفی بوده باشد .

رئیس - ماده سوم قرائت میشود : (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۳ - مؤسس برای اداره کردن دانشکده یا مدرسه عالی کسی را بوزارت فرهنگ معرفی نماید که لاقلاً واجد شرایط زیر باشند :

۱ - داشتن درجه دکتری در رشته مربوط بامعادل آن .

۲ - چهل سال تمام داشته باشند .

۳ - دارای سه سال تدریس در دانشکده های ایران و یا خارجه و یا شش سال سابقه فرهنگی .

تبصره - در صورتیکه مؤسس تقاضا نماید وزارت فرهنگ با رعایت شرائط فوق مدیری را معرفی خواهد نمود .

رئیس - آقای دکتر بینا

دکتر بینا - برای اداره کردن يك مؤسسه ودانشگاهی که در آنجا تحصیلات عالی میشود بوسیله کسیکه سه سال فقط سابقه تدریس داشته باشد بمنظور من کار عملی نیست کسی که سه سال در يك دانشگاه یا دانشکده درس بدهد هنوز دانشیار نشده چطور میشود که مؤسسه عالی را، جائیکه باید تحصیلات عالی بکنند با سه سال سابقه تدریس یا ۵ سال سابقه فرهنگی بتواند يك دانشکده را اداره کند بمنظور من این ماده ناقص است و برای اداره کردن يك مؤسسه عالی باید شرایط بالاتر و عالی تری قائل شد ۷ یا ۱۰ سال سابقه تدریس یا به مقام استادی نائل شده باشد . سابقه فرهنگی کافی نیست ممکن است ناظم يك مدرسه باشد (یکی از نمایندگان - پیشنهاد بدهید) بنده پیشنهادم میدهم .

رئیس - آقای عمیدی نوری موافقت فرمائید

عمیدی نوری - این ماده جناب آقای دکتر بینا راجع بکسی است که باید این مدرسه عالی یا این دانشکده را اداره بکند برای این شخص ما سه شرط قائل شدیم در کمیسیون فرهنگ یکی اینکه باید حتماً دکتری باشد در رشته مربوطه یکی اینکه ۴۰ سال داشته باشد سوم اینکه تدریس نباید بکند مثلاً برای اداره دانشکده پزشکی باید دکتری در پزشکی باشد مهنذا این شرط را هم گذاشتیم که سه سال تدریس در دانشکده ایران یا خارجه کرده باشد هم دکتری در پزشکی باشد هم بیشتر از ۴۰ سال داشته باشد و سه سال هم سابقه تدریس داشته باشد او ششم ۶ سال سابقه فرهنگی نوشتیم سه سال او ششم سه سال تدریس این بمنظور من کافی است برای اینکه يك کسی مدیر چنین دانشکده ای باشد .

رئیس - آقای صدرزاده

صدرزاده (نخبر کمیسیون فرهنگ) - يك مشکلی که سبب شد نمایندگان محترم این طرح را تقدیم کردند و در موقع تقدیم طرح هم تذکر داده شد و حالا هم لازم است عرض کنم این است که مطابق آماری که وزارت فرهنگ جمع کرده است و بنده خاطر آقایان را متوجه میسازم در سال ۱۳۳۸ یعنی سال گذشته تعداد اشخاصی که در دبستانها مشغول تحصیل بودند ۱۳۱۱۱۶۴ نفر بودند در این

نهضت فرهنگی که در این چند سال در مملکت ما پیش آمده این يك رقم بزرگی است برای پیشرفت مطمئناً آنهائی که دوره دبستان را طی می کنند بیشتر آنها میرود دبیرستان باز مطابق همین آمار در سال ۱۳۳۸ تعداد ۲۵۵۸۳۶ نفر در دبیرستانها مشغول تحصیل بوده اند ملاحظه فرمائید هر ساله چه تعداد از آنها دوره متوسطه را تمام میکنند و میخواهند بروند بدانشگاه این دستگاہ دانشگاه فعلی تهران در حال حاضر ظرفیت پذیرفتن این عده دانشجو را ندارد این بود که سیل محصلین بطرف اروپا و امریکا سرازیر میشد والان ۱۴ هزار نفر در آنجاها هستند من استدعا میکنم جناب آقای دکتر بینا همکار محترم بنده توجه فرمایند اگر جنابعالی بخواهید يك شرایطی معین فرمائید البته نمیگویم نظر جنابعالی اینست ولی فرض کنیم شرایط اینطور باشد که از اساتید فعلی و موجود دانشگاه تهران استفاده شود (دکتر بینا - مطلقاً) یعنی دانشگاه ملی بوجود نیاید برای اینکه این عده ای که مشغول تدریس هستند وقت تدریس اضافی را ندارند و نمیتوانند شاگرد بپذیرند و يك چنین محلی را اداره کنند پس باید از عده زیادی از آقایان که الان در خارجه ایران مشغول تحصیل هستند و سالهای طولانی هم بتحصیلاتشان ادامه پیدا کرده برای تأسیس دانشکده ملی استفاده کنیم ما قبلاً نوشته بودیم فقط درجه دکتری داشته باشد بعد جناب آقای عمیدی نوری

در کمیسیون فرهنگ این شرط سن را اضافه فرمودند و یکی هم شرط تدریس را ملاحظه فرمائید يك شخصی که ۱۵ - ۱۶ سال در امریکا و اروپا تحصیل کرده و سه سال سابقه تدریس دارد بنظر شما این شرطها برای دایر کردن دانشکده کافی نیست ؟

رئیس - دو پیشنهاد رسیده که قرائت میشود . (بشرح زیر خوانده شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم که بند ۲ ماده ۳ لایحه تأسیس دانشکده

صدرزاده (نخبر کمیسیون فرهنگ) - يك مشکلی که سبب شد نمایندگان محترم این طرح را تقدیم کردند و در موقع تقدیم طرح هم تذکر داده شد و حالا هم لازم است عرض کنم این است که مطابق آماری که وزارت فرهنگ جمع کرده است و بنده خاطر آقایان را متوجه میسازم در سال ۱۳۳۸ یعنی سال گذشته تعداد اشخاصی که در دبستانها مشغول تحصیل بودند ۱۳۱۱۱۶۴ نفر بودند در این

نهضت فرهنگی که در این چند سال در مملکت ما پیش آمده این يك رقم بزرگی است برای پیشرفت مطمئناً آنهائی که دوره دبستان را طی می کنند بیشتر آنها میرود دبیرستان باز مطابق همین آمار در سال ۱۳۳۸ تعداد ۲۵۵۸۳۶ نفر در دبیرستانها مشغول تحصیل بوده اند ملاحظه فرمائید هر ساله چه تعداد از آنها دوره متوسطه را تمام میکنند و میخواهند بروند بدانشگاه این دستگاہ دانشگاه فعلی تهران در حال حاضر ظرفیت پذیرفتن این عده دانشجو را ندارد این بود که سیل محصلین بطرف اروپا و امریکا سرازیر میشد والان ۱۴ هزار نفر در آنجاها هستند من استدعا میکنم جناب آقای دکتر بینا همکار محترم بنده توجه فرمایند اگر جنابعالی بخواهید يك شرایطی معین فرمائید البته نمیگویم نظر جنابعالی اینست ولی فرض کنیم شرایط اینطور باشد که از اساتید فعلی و موجود دانشگاه تهران استفاده شود (دکتر بینا - مطلقاً) یعنی دانشگاه ملی بوجود نیاید برای اینکه این عده ای که مشغول تدریس هستند وقت تدریس اضافی را ندارند و نمیتوانند شاگرد بپذیرند و يك چنین محلی را اداره کنند پس باید از عده زیادی از آقایان که الان در خارجه ایران مشغول تحصیل هستند و سالهای طولانی هم بتحصیلاتشان ادامه پیدا کرده برای تأسیس دانشکده ملی استفاده کنیم ما قبلاً نوشته بودیم فقط درجه دکتری داشته باشد بعد جناب آقای عمیدی نوری

در کمیسیون فرهنگ این شرط سن را اضافه فرمودند و یکی هم شرط تدریس را ملاحظه فرمائید يك شخصی که ۱۵ - ۱۶ سال در امریکا و اروپا تحصیل کرده و سه سال سابقه تدریس دارد بنظر شما این شرطها برای دایر کردن دانشکده کافی نیست ؟

رئیس - دو پیشنهاد رسیده که قرائت میشود . (بشرح زیر خوانده شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم که بند ۲ ماده ۳ لایحه تأسیس دانشکده

صدرزاده (نخبر کمیسیون فرهنگ) - يك مشکلی که سبب شد نمایندگان محترم این طرح را تقدیم کردند و در موقع تقدیم طرح هم تذکر داده شد و حالا هم لازم است عرض کنم این است که مطابق آماری که وزارت فرهنگ جمع کرده است و بنده خاطر آقایان را متوجه میسازم در سال ۱۳۳۸ یعنی سال گذشته تعداد اشخاصی که در دبستانها مشغول تحصیل بودند ۱۳۱۱۱۶۴ نفر بودند در این

نهضت فرهنگی که در این چند سال در مملکت ما پیش آمده این يك رقم بزرگی است برای پیشرفت مطمئناً آنهائی که دوره دبستان را طی می کنند بیشتر آنها میرود دبیرستان باز مطابق همین آمار در سال ۱۳۳۸ تعداد ۲۵۵۸۳۶ نفر در دبیرستانها مشغول تحصیل بوده اند ملاحظه فرمائید هر ساله چه تعداد از آنها دوره متوسطه را تمام میکنند و میخواهند بروند بدانشگاه این دستگاہ دانشگاه فعلی تهران در حال حاضر ظرفیت پذیرفتن این عده دانشجو را ندارد این بود که سیل محصلین بطرف اروپا و امریکا سرازیر میشد والان ۱۴ هزار نفر در آنجاها هستند من استدعا میکنم جناب آقای دکتر بینا همکار محترم بنده توجه فرمایند اگر جنابعالی بخواهید يك شرایطی معین فرمائید البته نمیگویم نظر جنابعالی اینست ولی فرض کنیم شرایط اینطور باشد که از اساتید فعلی و موجود دانشگاه تهران استفاده شود (دکتر بینا - مطلقاً) یعنی دانشگاه ملی بوجود نیاید برای اینکه این عده ای که مشغول تدریس هستند وقت تدریس اضافی را ندارند و نمیتوانند شاگرد بپذیرند و يك چنین محلی را اداره کنند پس باید از عده زیادی از آقایان که الان در خارجه ایران مشغول تحصیل هستند و سالهای طولانی هم بتحصیلاتشان ادامه پیدا کرده برای تأسیس دانشکده ملی استفاده کنیم ما قبلاً نوشته بودیم فقط درجه دکتری داشته باشد بعد جناب آقای عمیدی نوری

در کمیسیون فرهنگ این شرط سن را اضافه فرمودند و یکی هم شرط تدریس را ملاحظه فرمائید يك شخصی که ۱۵ - ۱۶ سال در امریکا و اروپا تحصیل کرده و سه سال سابقه تدریس دارد بنظر شما این شرطها برای دایر کردن دانشکده کافی نیست ؟

و مدارس عالی ملی (موضوع سن مدیر) از لایحه حذف شود ، صفاری

پیشنهاد مینمایم بند ۳ ماده ۳ بشرح زیر اصلاح شود ۳ - دارای ده سال سابقه تدریس در دانشکده های ایران و یا خارجه باشد و یا بمقام استادی رسیده باشد . دکتر بینا

رئیس - ماده ۴ قرائت میشود (بشرح زیر قرائت میشود)

ماده ۴ - استادان و دانشیاران و دبیرانی که رئیس دانشکده برای تدریس در دانشکده انتخاب مینماید باید باموافقت وزارت فرهنگ بوده و صلاحیت علمی آنها برای تدریس در رشته مربوطه مورد تصویب شورایعالی فرهنگ باشد . شرایط استخدام استادان ودانشیاران ودبیران وحقوق و مزایای آنها برطبق آئین نامه این قانون خواهد بود .

رئیس - کسی اجازه نخواست پیشنهادی هم نرسیده

ماده ۵ قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۵ - شرایط ورود برنامه تحصیلی دانشکده و مبلغ ورودی و ماهیانه ای که از محصلین برای تأمین بودجه دانشکده دریافت میشود و همچنین عده محصلینی که در هر سال باید در دانشکده پذیرفته شوند باموافقت وزارت فرهنگ خواهد بود

رئیس - کسی اجازه نخواست ماده بعد قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۶ - وزارت فرهنگ مکلف است هر ساله در بودجه خود مبلغی برای کمک به بودجه این قبیل دانشکده ها و مدارس عالی منظور نماید و در مقابل می تواند بتناسب مساعدتی که مینماید يك عده محصل غیر متمکن که واجد شرایط تحصیلی باشند بدانشکده معرفی کند که برایگان و یا با ماهیانه کمتری تحصیل نمایند .

رئیس - ماده بعد قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۷ - دانشجویان اینگونه دانشکده ها و یا مدارس عالی از تسهیلات نظام وظیفه و مزایای دانشنامه و همچنین فارغ التحصیلان رتبه اول دانشکده ها از لحاظ اعزام بخارج بخرج دولت استفاده خواهند نمود .

رئیس - ماده ۸ قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۸ - در صورتیکه دانشکده ها و مدارس عالی مذکور در این قانون ناقص و معایب فنی و اداری داشته باشند که ادامه آن به مصلحت فرهنگ کشور باشد و مؤسس یا مؤسسان

رئیس - ماده ۸ قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۰ - وزارت فرهنگ مکلف است پس از تصویب این قانون آئین نامه های آنرا ظرف سه ماه تهیه و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجرا گذارد.

رئیس - ماده ۱۱ - قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۱ - وزارت فرهنگ مأمور اجرای قانون میباشد.

رئیس - طرح باپیشنهادات برای شور دوم به کمیسیون فرستاده میشود.

۷ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز سه

شنبه خواهد بود دستور هم انتخابات مجلس سنا.

(مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

با اخطار قبلی وزارت فرهنگ واقص را مرفوع سازد وزارت فرهنگ مکلف است با تصویب شورای عالی فرهنگ آن دانشکده یا مدرسه عالی را تعطیل و اجازه آنرا لغو نماید. تعیین تکلیف دانشجویان این قبیل دانشکده ها و یا مدارس عالی طبق آئین نامه ای خواهد بود که وزارت فرهنگ تهیه مینماید.

رئیس - کسی اجازه نخواستہ ماده ۹ قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

ماده ۹ - اشخاص حقیقی یا حقوقی که قسمتی از درآمد سالیانه خود را باینگونه دانشکده ها و یا مدارس عالی میدهند و جوه پرداختی بحساب هزینه قابل قبول مالیات بر درآمد شان در همان سال منظور میگردد.

رئیس - ماده ۱۰ - قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)